

بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

جولای 2015 - مرداد 1394

شماره 53

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

ویژه هشتمین مجمع عمومی

(همبستگی طبقاتی با کارگران افغانستانی در ایران)

هشتمین مجمع عمومی حضوری نهادهای همبستگی در روزهای ۲۷ و ۲۸ ژوئن در شهر هانوفر (آلمان) و با حضور نمایندگان نهادها از کشورهای انگلستان، سوئد، آلمان، استرالیا، کانادا و فرانسه و نیز مهمانان حضوری، پالتاک و اسکایپ برگزار شد.

اطلاعیه پایانی هشتمین مجمع عمومی نهادهای همبستگی

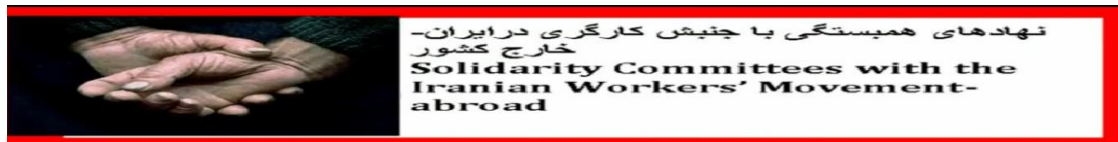
پیامهای هشتمین مجمع عمومی نهادهای همبستگی

پیام به فعالین کارگری در بند، زندانیان سیاسی و خانواده های آنان

حمله، دستگیری و ضرب و شتم معلمان را قویا محکوم می نماییم!

توافق هسته ای ، جام زهری دیگر

حوادث محیط کار



هشتمین مجمع عمومی حضوری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

بنام مجمع

(همبستگی طبقاتی با کارگران افغانستانی در ایران)

هانوفر آلمان روزهای ۶ و ۷ تیر ماه ۱۳۹۴ برابر با ۲۷ و ۲۸ ژوئن ۲۰۱۵

هشتمین مجمع عمومی حضوری نهادهای همبستگی در روزهای ۲۷ و ۲۸ ژوئن در شهر هانوفر (آلمان) و با حضور نماینده گان نهادها از کشورهای انگلستان، سوئد، آلمان، استرالیا، کانادا و فرانسه و نیز مهمانان حضوری، پالتاک و اسکایپ برگزار شد.

کمیسیون تدارک سیاسی منتخب مجمع نهادها، ضمن ارائه گزارش و پیش نویس دستور کار از پیش تعیین شده به مجمع عمومی حضوری هانوفر به جمع آوری پیشنهادات تکمیلی حاضرین پرداخت.

این مجمع بنام مجمع همبستگی طبقاتی با کارگران افغانستانی در ایران نامگذاری شد و حاضرین ضمن حمایت از آنها سیاست های فاشیستی و نژاد پرستانه جمهوری اسلامی و شعارهای تفرقه اندازانه رژیم از سوی نهادهای ضد کارگری خانه کارگر و شورای عالی کار و وزارت کار در روز کارگر امسال در تهران را قویا محکوم کردند.

مجمع عمومی نهادها با یک دقیقه سکوت بیاد جانباختگان جنبش کارگری و بعد از تصویب دستور جلسه پیشنهادی و افزوده هایی چند در خود مجمع و انتخاب هیئت رئیسه به پیامهای رسیده پرداخت که طبق توافق قرار است در بولتن ویژه مجمع عمومی هشتم منتشر شود. نام گذاری هشتمین مجمع عمومی، محل اجلاس حضوری آینده نهادها، نفی اعدام، افزایش موج پناهنده گی، تقویت انواع حمایت از جنبش کارگری ایران در خارج از کشور و از جمله یاری رسانی های مالی، اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار (آی ال او) و حضور وزیر کار جمهوری اسلامی در آن، بحث آزاد در رابطه با اوضاع جنبش کارگری منجمله موضوع دستمزد، ایجاد کمیسیونهای جدید و گروههای کاری، تنظیم پیامهای مجمع و نیز انتخاب هیئت هماهنگ کننده دور آتی از مواردی بود که در اجلاس دوروزه هانوفر در دستور قرار گرفت.

گزارشات کتبی نهادها که بر طبق مصوبات در برگیرنده فعالیت آنها است و قبلا در اختیار اعضای نهادها قرار گرفته بود مورد بحث و بررسی قرار گرفت. مجمع عمومی به بررسی فعالیت های تاکتونی کمیسیون تجارب کارگری، بولتن اخبار کارگری و وبلاگ نهادها پرداخت و در مورد ترمیم گروه های کاری دستمزدها و ایجاد تشکل های مستقل کارگری، توافق نمود. در تاکید دوباره بر استمرار و گسترش حمایت و یاری رسانی های مالی به کارگران در ایران، کمیسیون مالی ترمیم و باز

سازی گردید. انتشار سالیانه روز شمار اعتراضات کارگری و نیز حوادث کار مورد تاکید دوباره قرار گرفت و دو گروه کاری برای آن انتخاب شد.

نفی هر گونه شکنجه و اعدام و ایجاد رعب و وحشت و عقب راندن اعتراضات اجتماعی، یکی از مباحث پیشنهادی بود که مورد توافق جمعی قرار گرفت و قرار شد در انتشارات نهادها بطور مشخص منعکس شود.

حاضرین در مجمع همزمان، در آکسیون که توسط چهار نهاد (از جمله کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران - هانوفر) در مرکز شهر هانوفر در لغو شکنجه و اعدام و بر علیه رژیم و سیاست های دولت روحانی سازمان داده شده بود شرکت کردند.

مجمع زمانی را به بحث و تبادل نظر در رابطه با اجلاس سالیانه (آی ال او) در ژنو اختصاص داد. امسال نیز در اجلاس مذکور نماینده های رژیم اسلامی و نیز وزیر کار شرکت داشتند و حتی پیش تر نماینده های آی ال او در تهران ناظر راهپیمایی خانه کارگر در روز کارگر بودند. مجمع ضمن تاکید دوباره بر مصوبات نهادها در مورد ماهیت سازمان جهانی کار به راههای موثر در رابطه با انعکاس خواست ها و نیازهای جنبش کارگری در خارج از کشور پرداخت. در این زمینه توافق گردید که رفقای نهاد همبستگی سوسیالیستی با کارگران - فرانسه در دوره آینده فعال تر از گذشته، جمعی نهاد ها را درگیر برنامه ریزی سالیانه در مقابل حضور نماینده های رژیم اسلامی در سازمان جهانی کار نمایند.

بحث آزاد حول مسئله دستمزدها در بستر جنبش کارگری ایران و تشکل های کارگری زمان نسبتا طولانی را به خود اختصاص داد و حاضرین بطور فعال در آن شرکت کردند. همچنین مقرر شد که نهادها با جمع بندی بحث های مهم در این مجمع، بطور مستمر در طول سال با دخالتگری و فعالانه در این بحث شرکت نمایند و آن را موکول به تنها ماه اسفند که بحث دستمزدها داغ می شود نکنند.

مجمع چند پیام خطاب به کارگران در جهان و ایران، کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، مادران و خانواده های جانفشانان و کنفرانس خودروسازان جهان صادر کرد که در بولتن مخصوص نهادها بزودی منتشر خواهد گردید.

کمیسیون تجارب کارگری اقدام به برگزاری جلساتی در رابطه با دستمزدها، برخورد رژیم به کارگران افغانستان در ایران و نیز تشکل های مستقل و سراسری کارگری می نماید و گروههای کاری دستمزدها، تشکل های مستقل کارگری و مالی ملزم به تکمیل و تدوین طرح هایی به منظور بحث و تبادل نظر و انتشار از سوی نهادها شدند.

هشتمین مجمع عمومی با خواندن دستجمعی سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

پنجشنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۴ برابر با ۲ جولای ۲۰۱۵

پیام هشتمین مجمع عمومی حضوری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

به

کارگران همه کشورها و فعالان کارگری در ایران

تهاجم سرمایه‌ی جهانی به دستاوردهای مبارزات طبقه کارگردر سطح کشورهای مختلف، هرروزه افزایش می‌یابد. سرمایه‌داری بمنظور کسب سود بیشتر از هیچ جنایتی ابا ندارد. بحران اقتصادی در جهان سرمایه‌داری و تک قطبی، امپریالیستها رابه جان همدیگر انداخته و هر کدام برای دستیابی به سود بیشتر تلاش دارد. بار این بحرانها را بردوش طبقه کارگر جهانی وسایر زحمتکشان اندازد. آنها در کشورهای امپریالیستی، کارگران خودی رابه ورطه تنگدستی وآینده‌ای نا مطمئن می‌اندازند و در دیگر کشورها با براه اندازی جنگهای نیابتی بمنظور چپاول ذخایر غنی زیرزمینی از جمله نفت و گاز وهمچنین تسلط بر بازار، جهان را بسوی ناامنی کامل سوق می‌دهند. امپریالیستها همواره نیاز به دشمن واقعی یا فرضی دارند تا برای کسب یا حفظ سیادت اقتصادی - سیاسی خود دست به جنایت بزنند. زمانی اتحاد جماهیر شوروی و کمونیسم را دشمن می‌خواندند ولی حال که از حاکمیت سوسیالیسم در شوروی سخنی در میان نیست و آن کشور در زمره رقبای امپریالیستی درآمده است، لازم می‌نماید تا دشمنی دیگر ساخت. این دشمن چه کسی می‌تواند باشد بجز یار دوران جنگ سرد امپریالیستی غربی که خودشان آفرینند. جنگ علیه تروریسم بهانه‌ای بیش نیست تا با به ویرانی کشیدن و عقب نگهداشتن کشورهای ضعیف و با صرف بودجه‌های هنگفت از دسترنج کارگران، غارت منابع طبیعی و تسلط بر بازار آنها برای مدتی دیگر تضمین گردد.

تنها مبارزات همبسته کارگران جهان علیه برنامه‌های ضدانسانی سرمایه‌داری جهانی می‌تواند جلوگیری از سرمایه‌داری و بربریت باشد. مبارزات کارگران جهانی علیه تجاوز سرمایه‌داری به دستاوردهای مبارزاتی کارگران وتظاهرات میلیونی کارگران وسایر زحمتکشان علیه سیاستهای نئولیبرالی سرمایه‌داری، نشان از رشد و گسترش مقاومت در برابر تهاجم سرمایه‌داری دارد. با تشدید وهمبستگی بیشتر مسلماً روز نابودی حاکمیت سرمایه‌داری نزدیک تر خواهد شد. ما به این توان کارگران جهانی باور داریم.

در سالی که گذشت، مبارزات کارگران ایران بدون وقفه و به نحوی از انحاء برای یک زندگی آبرومند، افزایش دستمزد، علیه بیکاری و احقاق حقوق پامال شده ادامه داشت و هرچند کارگران بهای آنرا با اخراج، دستگیری، زندان وشلاق پرداختند ولیکن مبارزه رافراگیرتر به پیش می‌برند.

سرمایه‌داران در جمهوری اسلامی به بهانه تحریمها و وضع بد اقتصادی، میلیاردها به جیب‌های گشادشان سرازیر کردند و بار سنگین تحریم‌ها را بردوش کارگران وسایر زحمتکشان انداختند. تحریم‌ها از همان ابتداء کارگران وسایر زحمتکشان راه‌دفع قرار داده بود و نه سرمایه‌داران رژیم اسلامی را و دودش هم به چشم زحمتکشان جامعه رفت و هنوز هم می‌رود و نه به چشم سرمایه‌داران وآقازاده‌ها. کسانی که می‌گویند با برداشتن تحریم‌ها، اوضاع زندگی کارگران وسایر زحمتکشان خوب خواهد شد دروغگو هستند و باید افشا کردند، آن‌ها خاک به چشم کارگران می‌پاشند. کارگران وسایر زحمتکشان ایران تنها با مبارزات قهرمانانه و متحد و یکپارچه قادر به احقاق حقوق خود از سرمایه‌داران و رسیدن به آزادی هستند.

شماکارگران درون کشور نشان داده‌اید که قادر بوده‌اید مبارزات خود را بیش از پیش گسترش دهید. مسلماً دیریا زود نیز قادر خواهید شد اعتراضات و اعتصابات پراکنده کنونی را بهم پیوند داده و با گام برداری مجدانه در راه برپایی تشکلات مستقل کارگری، متحدانه بایکدیگر گام بردارید. حمایت گسترده خانواده‌های شما، پیروزی مبارزاتتان را محقق تر نموده و همدردی و همراهی سایر اقشار خلقی رانیز بدنبال خواهد داشت. ما در این مبارزات یار و یاور شما بوده ایم و همچنان خواهیم بود و تلاش می‌کنیم که در دیگر کشورها صدای مبارزاتی شما را بگوش هم طبقه ای هایمان و سایر نیروهای مترقی برسانیم. برایتان آرزوی پیروزی در مبارزات عادلانه و حق طلبانه تان داریم.

فعالین کارگری، تشکلات مستقل کارگری و کمیته های یاری رسانی کارگری تحت شدیدترین فشارهای حکومتی قرار دارند و دهها زندانی داده‌اند.

ما طی نشست سالیانه خود، بعنوان عالی ترین مجمع سیاست گذاری خود، دستهای کار و شکنجه شده یکایک شما را به گرمی می فشاریم. ما به دقت مبارزات شما را دنبال کرده و تلاش داشته‌ایم که از مبارزات شما در زندان، محیط های کار، تشکلات مستقل کارگری و کمیته های یاری رسانی کارگری حمایت کرده و صدای شما را در خارج از کشور به گوش کارگران و نهادهای مترقی برسانیم.

ما در حد توان خود کوشیده ایم که پلی اطلاعاتی و ارتباطی بین کارگران کشورمان با دیگر کارگران جهان باشیم.

ما از مبارزات خستگی ناپذیر شما علیه اجحافات رژیم جهل و سرمایه اسلامی می‌آموزیم. مشکلاتی که شما در زیر سرکوب بی‌وقفه رژیم جمهوری اسلامی در راه همبستگی و تشکل یابی و وحدت درونی خود، همچنین خدمت به تشکل یابی مستقلانه طبقه کارگر دارید بر همگان آشکار است. اراده شما برای احقاق حقوق کارگران ورهائی از ستم و استعمار، نهراسیدن از زندان و شکنجه و تحمل شدیدترین فشارهای اجتماعی و اقتصادی که برایتان زندگی سختی را بوجود آورده است، تحسین برانگیز است. شما در انجام این رسالت که بردوش ماهمگان قرار دارد، پیشرو و پیشتاز هستید.

از تاریخ و اتحاد عمل کارگران جهان در این دوران تاریخی بیاموزیم و یکوشیم گردانهای مستقل و متحد کارگران ایران را در مقابل تشکلات ضد کارگری و دست ساز رژیم سرمایه داری اسلامی بنانهیم و میدان نبرد را برای بدست گرفتن قدرت کارگران آماده سازیم. ما میدانیم که سنگینی این کار با شماس است ولی ما در کنار و همراه شما گام بر خواهیم داشت. رژیمها رفتنی هستند، همانگونه که قاجار و پهلوی رفتند، رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نیز به گورستان تاریخ سپرده خواهد شد.

بهار کارگران و زحمتکشان، خزان سرمایه داری است

پیش بسوی مستحکم تر کردن و ایجاد تشکلات مستقل کارگری

سرنگون باد رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی سرمایه

پیش به سوی سوسیالیسم

دوشنبه ۸ تیر ۱۳۹۴ برابر با ۲۹ ژوئن ۲۰۱۵

هشتمین مجمع عمومی حضوری نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور

پیام هشتمین مجمع عمومی نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

به کارگران زندانی و زندانیان سیاسی

رژیم جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با بحران فراگیر اقتصادی و سیاسی که دامگیرشان شده است، محور عمده حملات خود را بر علیه کارگران و دیگر فعالین عرصه های سیاسی و اجتماعی بکار گرفته است تا جامعه را به سکوت و تمکین بکشاند. اما مبارزات خستگی ناپذیر شما چه در زندانها و چه در عرصه های اجتماعی در دفاع از خواست ها و مطالبات بر حقتان، نقشه ی شوم رژیم را بر آب کرده است.

شما به درستی دریافته اید که راه پیروزی با مقاومت و مبارزه ی متشکل میسر است و برای این مهم هزینه های سنگینی را تحمل می کنید. تلاش های مداوم شما برای کسب حقوق پایمال شده تان، قابل ستایش و شورانگیز است.

مبارزات پیگیرانه ی شما و خانواده هایتان، آمیزه ی امیدبخشی را به جامعه نوید می دهد و خواب آرام را از چشم حکومتگران مدافع سرمایه و استثمار ربوده است.

رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب مبارزات و اعتراضات شما، بخشی از فعالین کارگری و اجتماعی را به بند کشیده و به زندان های قرون وسطایی محکوم نموده است. تا امید هرگونه زندگی انسانی را در نطفه بخشکاند.

از این منظر و بحق، شعار کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، در داخل و خارج از ایران، در رأس فریادها و خواست های انسان های آزادی خواه قرار گرفته است و جلوه ی برحق ادامه ی مبارزات شما می باشد.

ما شرکت کنندگان در هشتمین مجمع عمومی حضوری نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، به شما کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در بند درود می فرستیم و همگام با شما آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی را خواهانیم.

کارگر زندانی آزاد باید گردد!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

7 تیرماه 1396 - 28 ژوئن 2015 - هانوفر

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

پیام هشتمین مجمع عمومی

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

به مادران جانفشانان و خانواده های زندانیان سیاسی

سلام و درود به مادران آزادی!

با کدامین واژه و با چه کلامی می توان از رنج بیکرانتان در این سالهای سیاه سخن گفت که اندوه اندوه جانتان ، خطی ماندگار بر پیشانی روزگار بنشانند؟

وجدان های بیدار می دانند در این سالهای شوم ، چه شقایق های (*) بی شماری را به گلزار جانفشانان تقدیم کردید و یا بسیاری از آنان ، چه سرافرازانه در اسارت دشمنان آزادی و آزادگی بسر می برند و قهرمانانه ، زندان را به میدان استمرار مبارزه ی حق طلبانه ، تبدیل کرده اند و شما با سربندلی با همه رنج و شکنج تان . همواره به عزیزان خود افتخار کرده و با شهامت راه آنان را ادامه داده اید راهی که روشن و دلپذیر است .

مقاومت و پایداری شما در مقابل هرگونه تهدید ، فشار و تعقیب برای تداوم دادخواهی های حق طلبانه تان ، سران رژیم را به هراس انداخت و ناگزیر ، بی شرمانه به دستگیری و زندانی کردن حتی تعدادی از شما عزیزان مبادرت نموده اما شما ایستادید و گسترده تر به مبارزات خود ادامه دادید . خبر رسانی و افشاگری ها و شکایات به مراجع بین المللی و ابتکارات مبارزه جویانه شما نقش زیادی در افشای کشتارها و سرکوب رژیم سفاک جمهوری اسلامی داشته است و بی شک سهم موثری در پیشبرد مجموعه مبارزات طبقات و اقشار اجتماعی ، در سرنگونی رژیم جنایت کار سرمایه داری حاکم و کسب آزادی ، استقلال و عدالت اجتماعی خواهد داشت .

هشتمین مجمع عمومی نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور

(*)

اشاره به این گفتار شگفت و ماندگار دایه سلطنه مادر فدارکار زنده یاد فرزند کمانگر است : " من خیالم از این راحتی که یک گل شقایق دیگه به این سرزمین هدیه شد ، که این گل از خونه من رفته این بار" .

پیرامون هشتمین مجمع عمومی سالیانه

نهادهای همبستگی

رادیوها و تلویزیونهای مختلفی با فعالین نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران مصاحبه های با فعالین نهادها پیرامون مجمع عمومی سالیانه نهادها ترتیب دادند.

مصاحبه با حمید نوشادی

<http://barabari.tv/video/tvbarabari070715.html>

مصاحبه با علی رسولی

<http://www.tvkomala.com/program/farsi/kargari/kargarifr150701k.flv>



پیکت اعتراضی علیه اعدام و سرکوب،

شکنجه و زندان، تبعیض، ستم و استعمار...

همزمان با هشتمین مجمع عمومی حضوری نمایندگان نهادهای همبستگی با کارگران ایران - خارج کشور در شهر هانوفر (آلمان) ، یک آکسیون اعتراضی به اعدام و سرکوب در ایران از سوی برخی تشکلات از جمله نهاد همبستگی کارگری شهر هانوفر، در مرکز شهر ترتیب داده شده بود. در این آکسیون تمامی رفقای شرکت کننده در مجمع عمومی حضوری نهادهای همبستگی فعالانه شرکت کردند.

در باره حوادث محیط کار

دوام و بقاء نظام سرمایه‌داری در انباشت هرچه بیشتر و حریصانه‌تر سود و سرمایه از طریق استثمار و غارت هرچه وحشیانه‌تر است. کار هرچه ارزانتر، دستمزد ناچیز، تأخیر یا عدم پرداخت دستمزدها، افزایش ساعات کار، افزایش سرعت کار، قطع مزایا و سایر پرداخت‌های جنسی یا سوبسیدها، عدم پرداخت تعهدات و وظایف از جمله سهم بیمه کارگران، عدم رعایت وظایف تصریح شده در قانون کار از جمله تأمین وسایل ایمنی کار و یا پرداخت خسارت به آسیب دیدگان، مخالفت و ممانعت از ایجاد تشکلات کارگری و به رسمیت نشناختن نمایندگان واقعی کارگران تا آزادانه و بدون مانع و مخالفتی به غارت خود از حاصل کار کارگران ادامه دهند، توسل به زور و سرکوب و تعقیب و دستگیری و زندان و شکنجه و حتا اعدام به پشتوانه دولت سرکوبگر و ضد کارگری که منافع سرمایه‌داران را نمایندگی می‌کند، جلوه‌ها و اشکالی از این استثمار وحشیانه است. اما فجیع‌تر و وحشیانه‌تر نوع ضد انسانی این استثمار، کشتار آشکار کارگران در نتیجه حوادث محیط کار به سبب فقدان ایمنی محیط و وسایل محافظتی ضروری است، تا با صرفه جویی! در پرداخت این هزینه‌ها، به قیمت جان انسان‌هایی شریف، باز هم سودجویانه به سرمایه‌های غارت کرده خود بیافزایند.

طبق آمار سازمان تأمین بیمه های اجتماعی سال گذشته تنها از میان بیمه شدگان، 1795 کارگر زن و مرد قربانی حوادث کار شده اند و امسال 19 درصد افزایش نشان می‌دهد باضافه بیش از 20 هزار حادثه منجر به جراحات، قطع عضو و از کار افتادگی. مطابق آمار سازمان جهانی کار: هر 15 ثانیه یک کارگر در جهان بخاطر فقدان تجهیزات ایمنی و یا عدم رعایت مقررات مربوطه و یا به خاطر امراض ناشی از شرایط کاری جانش را از دست می‌دهد، یعنی سالانه 2102400 کارگر زحمتکش جان می‌دهند تا سرمایه بیشتر جان بگیرد! بیش از 300 کارگر قربانیان اخیر معدن سوما در ترکیه، 5000 کارگر قربانیان معادن ذغال سنگ در جنوب چین، 140 کارگر ذغال سنگ در بوسنی، 110 کارگر کارخانه پوشاک تازرین در بنگلادش، همچنین زنان سوخته شده در آتش سوزی‌های بافندگی و پوشاک خیابان‌های منوچهری و پاستور در تهران، بخشی از این رقم سالانه را تشکیل می‌دهند. اگر هزینه سرانه برای تأمین ایمنی هر محیط کاری را به ازای هر نفر حداقل 1000 دلار در سال، فرض کنیم که سرمایه‌دار از پرداخت کامل آن خودداری می‌کند، می‌توانیم مجسم کنیم که سرمایه و سرمایه‌دار به ازای این قتل عام آگاهانه کارگران، چه سرمایه کلانی را به دست می‌آورد که شاید بتوان حتا آن را یکی از راه‌های عمده و کم هزینه کسب سود هرچه بیشتر نامید!

مبارزه برای تأمین ایمنی محیط کار و فشار بر کارفرمایان برای رعایت مقررات کار جهت جلوگیری از حوادث، تنها یک تلاش خیرخواهانه و انسان‌دوستانه برای کاهش تلفات نیست، بلکه عرصه مهمی از مبارزه طبقاتی و جدال طبقه کارگر علیه سرمایه در کاهش شدت استثمار به قیمت جان انسان‌ها و دفاع از منزلت انسانی و جایگاه اجتماعی طبقه کارگر است که بی ارزش شمردن جان آنها این‌گونه بی‌شرمانه مورد تحقیر و توهین نیز قرار می‌گیرند.

با یاد جان‌باختگان عرصه کار، برای حفظ جان زندگان و جلوگیری از دادن قربانی‌های بیشتر و تأمین زندگی بازماندگان، فعالانه، گسترده و متحدانه علیه نظام سرمایه تا به آخر بجنگیم.

توافق هسته ای، جام زهری دیگر

پذیرش توافق هسته ای، جام زهری دیگری است که رژیم جمهوری اسلامی در باخت خود، مجبوره سرکشیدن آن گردید. برنامه تسلیحاتی هسته ای رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، از همان ابتدا محکوم به شکست بود. روشن بود که کشورهای امپریالیستی جهان به علت سیاست خارجی و موقعیت استراتژیک ایران در منطقه، اتمام این پروژه را پذیرا نبودند و از تمامی امکانات برای عدم موفقیت آن استفاده می کردند. که کردند. از منظر زحمتکشان ایران، آغاز و ادامه این پروژه، هیچ ضرورتی نداشت و در هیچ زمینه ای کارگشا نبود. مسابقه هسته ای برای بشریت خطرناک است و راه حل مقابله با دارندگان سلاحهای هسته ای نمیشد. برعکس می باید در جهت انهدام کلیه سلاحهای هسته ای در جهان گام برداشت. استفاده علمی از انرژی اتمی برای خدمت به انسان و طبیعت، جدا از آنچه بود که در راکتورهای اتمی جمهوری اسلامی، در دستور کار قرار داشت. برای تولید برق نیز در ایران، علاوه بر استفاده از انرژی فسیلی، امکانات دیگری همچون بهره برداری از نیروی خورشیدی و باد وجود داشت. و همچنان دارد. که هم هزینه ای کمتر داشت و هم فاقد خطرات برای محیط زیست بود. در پی تغییرات گسترده در راکتورهای اتمی ایران که بخشی از توافقات وین میباشد، تولید برق از این طریق، آینده ای کاملاً ناروشن دارد. براحتی می توان گفت که در عمل، بیش از 150 میلیارد دلار از درآمد کشور، بیهوده و برای هیچ به هدر رفته است.

لغو تحریمهای بخشی از توافق هسته ای است. در صورت سربراه بودن جمهوری اسلامی، تحریمها از طریق شورای امنیت، گام به گام و بر مبنای نظر مثبت بازرسان آژانس بین المللی اتمی، میتواند لغو شود. تحریمها سه گونه اند: تحریمهای شورای امنیت، تحریمهای اتحادیه اروپا و تحریمهای از سوی آمریکا. رژیم جمهوری اسلامی برای لغو تحریم، وابسته به دو توافق، هم از جانب آژانس بین المللی اتمی و هم از سوی مرجع تحریم کننده میباشد، که با توجه به حق وتوی آمریکا در شورای امنیت، لغوبرخی از تحریمها منوط به توافق دوسویه آمریکا است که این وابستگی به جلب نظر موافق آمریکا برای لغو این یا آن تحریم، میتواند به نوبه خود در گذشت زمان، نزدیکیهای اقتصادی - سیاسی را در پی داشته باشد.

در این شکی نیست، که تحریمهای اقتصادی در طی ده سال گذشته، ضربه بر اقتصاد کشور وارد آورده است. آیا تحریمها و کمبود درآمد حاصله از فروش نفت، سبب اصلی خانه خرابی کارگران ایران و سایر زحمتکشان بوده اند؟ روشن است که تحریمها، دشواریهای عمومی اقتصادی

را متوجه کل جامعه ساخت و تأثیر منفی خود را بر زندگی زحمتکشان نیز گذاشت. اما مسبب اصلی و اولیه نابسامانیهای زندگی کارگران و سایر زحمتکشان، سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی سرمایه میباشد، که از سرمایه داران، دزدیهای کلان دست اندرکاران حکومتی و آقا زاده ها و مافیای درون نظام، ناشی از ماهیت

فاسد رژیم، مزید بر علت بوده اند. از پروژه اتمی جمهوری اسلامی که بیهوده بود و ارزش هنگفتی را به باد داد، بگذریم. همان مقداری که از فروش نفت حاصل آمد، در کجا و چه موردی در جهت رفاه عمومی جامعه و بهبود زندگی کارگران و سایر زحمتکشان به کار گرفته شد؟

آیا واردات بی رویه شکر از خارج که دلالت بر حکومتی را ثروتمند تر میکرد و اقدامات حکومتی در تخریب نیشکر هفت تپه، از نتایج تحریمها بود، یا سیاست ضد مردمی سران جمهوری اسلامی؟ آیا تعطیل مدام این یا آن کارخانه پوشاک، از نتایج تحریمها بود، یا سیاست دلالت بر حکومتی در واردات روزافزون پوشاک؟ حتی اگر برخی

مواد اولیه مورد نیاز کارخانجات پوشاک میباید از خارج وارد میشدند، آیا اختصاص هد فمند ارز برای این واردات

مواد اولیه ضروری تر بود یا واردات بی رویه پوشاک؟ آیا دزدیهای میلیاردی سران و پادشاهان رژیم سرمایه داری اسلامی، از نتایج تحریمها بود؟ آیا دسمتزد کارگران ایران در سطح یک چهارم فقر از نتایج تحریمها است،

یا نتیجه ی سیاست و موضع ضد کارگری جمهوری اسلامی میباشد؟ آیا دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری،

پی آمد تحریمها میباشد، یا از ماهیت سرمایه داری اسلامی نشأت میگیرد؟ آیا اخراج وسیع کارگران و

قراردادهای موقت و سفید امضاء، از نتایج تحریمها بوده‌اند، یا ناشی از سیاست ضد کارگری جمهوری اسلامی و خوش خدمتی این رژیم به سرمایه داران میباشد؟ و..... تحریمها در نابسامانی اقتصاد ایران نقش داشته‌اند، ولیکن هرگاه نقش اصلی را با نقش فرعی و کمکی تعویض کنیم، به نتایج نادرستی و حتی زیان باری خواهیم رسید

در این میان، اصلاح طلبان حکومتی و برخی از منتظرالوکاله های درون و بیرون ایران، سعی دارند، قرارداد وین و لغوگام به گام - اما مشروط - تحریمها رابه عنوان دستاورد جلوه دهند، شاد باش گویند و انسانهای ناراضی و نا امید را برای چند صباحی دیگر به اغوا وادارند. در پی لغو تحریمها، بزرگ سرمایه داران امپریالیستی، سران رژیم اسلامی، سرمایه داران داخلی، آیت الله های شکرخوار و آقا زاده های حکومتی، تنها کسانی هستند که فزون طلبی برانداخته های خود خواهند داشت. اولین هیأت صد نفری آلمانی به ریاست وزیر اقتصاد، آغازگر حرکت امپریالیستی به سوی سود بری از ایران بود. در روزهای دیگر، شاهد عزیمت هیأتی بعدی از سایر کشورهای امپریالیستی خواهیم بود. دستمزدهای کارگری زیر فقر در ایران و منابع زیرزمینی، نوید بخش حرکت شرکتیهای غارتگر جهانی به سوی ایران میباشد. از این سفره پهن شده، هرکسی سهمی را میخواهد و سردمداران حکومتی نیز سهم خود را دارند، حتی اگر با جناح بند یهای جدیدی همراه باشند. البته نزد یها همچون گذشته، جای و مقام خود را دارد. تمامی جناحهای حکومتی در ادامه استثمار روز افزون کارگران هم رأی و هم عمل هستند. سرمایه داران کشورهای امپریالیستی باید بتوانند با خیالی آسوده و با استفاده از دستمزدهای زیر خط فقر در ایران، بر ثروتیهای خود بیافزایند و جمهوری اسلامی، تضمین کننده این خواست سرمایه داران است. ادامه فزون تراستثمار کارگران ایران و سرکوب شدن تر هرگونه اعتراض کارگری، هدیه ای است که نصیب کارگران خواهد شد.

از نظر نباید دور داشت، که عقب نشینی جمهوری اسلامی در برابر قدرتهای امپریالیستی، به ناچار، سردمداران رژیم را در مقابل توده ی رنج و کار جامعه ما شکننده تر میکند و توده مردم را در مقابل با آن جسورتر می نماید. تجربه نشان میدهد که رژیمهای سرکوب گرد در چنین شرایطی از عقب نشینی در مقابل پیشروی مردم می ترسند. از اینرو، خوش بینی به اصلاحات سیاسی یا حتی کاهش سرکوب در دوره پیش رو، بسیار خطرناک و مصیبت بار است. همه شاهدیم که در پرتو نر مش قهرمانانه خامنه ای در همین دو سال اخیر که مذاکرات هسته ای فعال تر از گذشته جریان داشته، در بعضی حوزه ها، سرکوب و دستگیریها به بهانه های مختلف شدیدتر از گذشته بوده است. کافی است تهاجم چندین باره زندانبانان رژیم به زندانهای رجائی شهر و اوین، دستگیریهای گسترده فعالین کارگری و به شلاق کشاندن کارگران رابه یاد آوریم. لذا باید با صدای بلند اعلام داشت: در جمهوری اسلامی سرمایه، هیچگونه امکانی به بهبود وضع زندگی کارگران وجود ندارد. بهبود زندگی کارگران در گرو سازمانیابی تشکل مستقل و طبقاتی آنان و بر بستر سرنگونی جمهوری اسلامی و مناسبات ضد انسانی سرمایه داری است. در این راه باید کوشید و از امیدهای باطل دل برید.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

فعالین کارگری زندانی، زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

جولای 2015

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommitttehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

حمله، دستگیری و ضرب و شتم معلمان را قویا محکوم می نماییم!

معلمان ایران يك بار ديگر پيشتاز جنبش مطالباتي شدند و به گونه ي پيگير و مستمر، پنجمين حرکت اعتراضی خود را در روز چهارشنبه ۳۱ تير ماه ۱۳۹۴ بر پا نمودند. اين حرکت اعتراضی که در تداوم سلسله حرکات اعتراضی معلمان که از ۳ اسفند ماه ۱۳۹۳ آغاز شده است، به وقوع پيوست، به دعوت "شورای مرکزی تشکل های صنفی فرهنگیان سراسر کشور" صورت گرفت. در همین راستا معلمان فعال از سراسر کشور به منظور تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی گرد هم آمدند. هدف از این تجمع در وهله اول اعتراض به دستگیری مسئولین و فعالین تشکلات معلمان از جمله علی اکبر باغانی، علیرضا هاشمی و نیز اسماعیل عبدي، محمد باقري، عبدالرضا قنبري و رسول بدایقي و طرح ديگر باره مطالبات معلمان از جمله؛ مقابله با خصوصی سازی نظام آموزشی و برقراری اصل آموزش رایگان برای همه، افزایش حقوق معلمان متناسب با سطح تورم و پایان دادن به نظام حقوق های معادل گرسنگی و فقر، افزایش سهم بودجه آموزش و پرورش در بودجه کشور، از بین بردن تبعیض در نظام استخدامی معلمان، همسان سازی ضوابط استخدام و از جمله تبعیض جنسیتی، پایان دادن به استخدام های پیمانی، پاره وقت و نیمه وقت و تبدیل قراردادهای پیمانی به قراردادهای رسمی، برقرارساختن پوشش واقعی و موثر بهداشت و درمان از جمله مهم ترین درخواست های معلمان بود. گردهمایی معلمان در برابر مجلس اسلامی و تجمع اعتراضی آنها با سرکوب نیروهای انتظامی و امنیتی مستقر در مقابل مجلس شورای اسلامی مواجه شد و معترضین قادر به برگزاری کامل تجمع خود نگشتند. بنا به گزارش " شورای مرکزی تشکل های صنفی فرهنگیان"، " بیش از ۱۳۰ نفر از معلمان ... بازداشت گردیدند." و به بازداشت گاه های گوناگون منتقل شدند. پس از ممانعت از ادامه تجمع و پراکنده نمودن معلمان، بخشی از بازداشت شدگان را آزاد نمودند. در تعرض به معلمان تجمع کننده هر سه قوه نظام جمهوری اسلامی با هم همکاری تنگاتنگ داشتند. در این باره در اطلاعیه "شورای مرکزی تشکل های صنفی فرهنگیان" بر هم سویی سه قوه در سرکوب معلمان تاکید شده است.

مبارزات معلمان در راستای تحقق خواسته هایشان فراتر از یک مبارزه صنفی بلکه مبارزه ایی کاملا طبقاتی است. معلمان به عنوان متحدان طبقه کارگر که امروز با خواست مطالباتی همچون افزایش دستمزدها و مبارزه بر علیه خصوصی سازی مدارس، پایان دادن به استخدامهای پیمانی که تشابه بسیاری به قراردادهای موقت و سفید دارد و ... که نتیجه اش محروم شدن بیشتر فرزندان کارگران و زحمتکشان از ادامه تحصیل و آموزش و پرورش است، خواستهایی کاملا طبقاتی و کارگری است. در این برهه حساس از مبارزه متشکل معلمان که رژیم سرمایه جمهوری اسلامی تهاجم گسترده ایی را بر علیه آنها با ضرب و شتم و زندانی نمودن آغاز نموده است، و با قاطعیتی که شورای مرکزی تشکل های صنفی فرهنگیان سراسر کشور در ادامه مبارزه تا نائل آمدن به کسب خواسته های خود اعلام نموده اند این وظیفه مهم را جلو روی جنبش کارگری و فعالین کارگری می گذارد که حمایت و پشتیبانی از اعتراض و اعتصاب معلمان را از وظائف طبقاتی خود دانسته و با پیوستن و فشرده نمودن صفوف معلمان و کارگران و همسویی که در خواسته های مشترکشان وجود دارد، دشمن طبقاتی خود را به عقب نشینی وادار نموده و رژیم را وادارند هر چه سریعتر تمام فعالین کارگری زندانی و معلمان زندانی و دیگر زندانیان سیاسی را آزاد نماید.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور ضمن حمایت قاطع از اعتراضات و تجمعات و مطالبات معلمان و محکوم نمودن سرکوب حرکت اعتراضی آنان توسط رژیم جمهوری اسلامی و نیز دستگیری معلمان، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه معلمان و کارگران زندانی و نیز همه زندانیان سیاسی و عقیدتی است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

معلمان و کارگران زندانی آزاد باید گردند!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور

۱ مرداد ۱۳۹۴، ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۵

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

"آقای کارفرما، تولدت مبارک"

آقای کارفرما، تولدت مبارک
برای این مناسبت، چند روز مرخصی گرفته ای؟
اصلا نیازی به مرخصی هست؟
به جرم غیبت، اخراجت نمی کنند؟
برای کیک تولدت، چقدر پرداختی؟
دستمزد یکماه ما، پول کیکت می شود؟
در کدام ویلا شمع ها را فوت می کنی؟

آقای کارفرما، اگر ما جان نکنیم
و خونمان در کار مرده ی شما نریزد
شما می توانید کارفرما باشید؟
می توانید استثمرار کنید؟

آقای کارفرما
هیچوقت دست هایت سر کار یخ بسته اند؟
از داربست افتاده ای؟
هیچوقت پاهایت زیر واگن های زغال رفته اند؟
هیچوقت میان چنگال کار، ضجه ی مرگ را سرداده ای؟

آقای کارفرما، تولدت مبارک
بازهم کاری کنید که باور کنیم این سرنوشتی تعیین شده است
کاری کنید از مسلسل هایتان بترسیم
و هر روز تکرار این بردگی باشد.

آقای کارفرما
بازهم کشیش ها را بفرستید
وقتی می گویند تشکل گناه است
وقتی از دنیای زیبای بهشت حرف می زنند
و ما را از زمین به آسمان می برند
اشک هایشان می ریزد
دلماں برای حرف های قشنگشان تنگ است

دلماں برای امید بستن به آن دنیا تنگ است
که گویا دیگر کار نمی کنیم.
راستی آقای کارفرما
چه تضمینی هست
شاید در دنیایی که کشیش ها می گویند، بازهم کارگر باشیم
شاید هر روز از داربست های بهشت بیفتیم
و هرشب کابوس بیکاری ببینیم.
کشیش ها با شما هم از آن دنیای خیالی گفته اند؟
یا با هم از خرید و فروش سهام حرف می زنید؟

آقای کارفرما
رنگ سرخ جشننت
عصاره ی مرگ ماست
هنگامی که میان اره های کار متلاشی می شویم
هنگامی که تیغ های کار، دست هایمان را می ربایند
لبان ترک خورده ی کودکان کار است
که سپیده دمان شبنمی سرخ از آن می چکد.

آقای کارفرما، تولدت مبارک
بازهم کاری کنید
که ما به اسم مذهب، نژاد و ملیت متفاوت
برده بودن خویش را فراموش کنیم
و جنگ با شما گناهی بیش نباشد.

راستی آقای کارفرما
کشیش ها می گویند:
ما و شما انسان هایی برابریم
این واقعیت دارد آقای کارفرما؟
این واقعیت دارد؟
ما و شما برابریم؟
برابریم آقای کارفرما؟

(اورست) علی رسولی

اطلاعیه نهاد های همبستگی : در محکومیت دستگیری فعالان کارگری و شعارهای فاشیستی و در پشتیبانی از اعتراضات سراسری معلمان

در محکومیت دستگیری فعالان کارگری و شعارهای فاشیستی "خانه کارگر" در ایران و در پشتیبانی از اعتراضات سراسری معلمان در هفدهم اردیبهشت ۹۴

کارگران و زحمتکشان ایران

بسیاری از فعالان کارگری در آستانه اول ماه مه دستگیر شدند. از جمله؛ ابراهیم مددی، داود رضوی، محمود صالحی، عثمان اسماعیلی، پدram نصراللهی و ... دستگیر و زندانی شدند و همچنین تعدادی از جمله اسماعیل عبدی، جعفر عظیم زاده و شیت امانی را احضار و تهدید به زندان کرده اند.

به علاوه مأموران امنیتی به منازل بکناش آبتین و رضا خندان (مهابادی) از اعضای کانون نویسندگان یورش بردند و از آنان بازجویی نموده اند. هم چنین علیرضا هاشمی دبیر کل سازمان معلمان ایران، دستگیر و به بند هشت زندان اوین منتقل شد.

همین حد از دستگیری ها و احضار فعالان کارگری و معلمان مبارز و اعضای کانون نویسندگان و ایجاد فضای امنیتی در سنج و دیگر شهرک های صنعتی، نشان از وحشت نظام کارگرسنیز جمهوری اسلامی ایران دارد. تا با ایجاد رعب و وحشت، مانع از تحرکات مستقل کارگران ایران گردد.

در چنین فضایی که با تهدید و بیگرو بیند فعالین مستقل همراه بوده است، خانه کارگری ها، این مزدوران سرمایه، در روز اول ماه مه تظاهراتی را با هماهنگی با دولت از محل خانه کارگر تا محل نماز جمعه، از جمله با شعارهای نژاد پرستانه "کارفرما حیا کن، افغانی را رها کن" و عکس هایی از علی خامنه ای سازمان دادند. بدین ترتیب آنها مذبحخانه تلاش کردند که کارگران افغانستانی، این ستمکشیده ترین و بی حقوق ترین بخش طبقه کارگر ایران را سپریبلای خشم کارگران "ایرانی" و به انحراف کشاندن مشکل بیکاری و معضل بیکار سازی های گسترده کارگران کنند.

از سوی دیگر در چنین هنگامه ای، بیانیه "شورای مرکزی تشکل های صنفی فرهنگیان" برای بار چهارم معلمان سراسر کشور را برای شرکت در اعتراضات سراسری در هفته معلم در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۹۴ فراخوانده است. پس از اعتراضات سراسری سوم و هشتم اسفند و نیز اعتراض سراسری بیست و هفتم فروردین، این چهارمین فراخوان برای اقدام سراسری جنبش مطالباتی معلمان ایران است.

نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور، با اعلام پشتیبانی از فراخوان معلمان و مطالبات آنان، برای اقدامات سراسری ۱۷ اردیبهشت، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه فعالین کارگری زندانی در ارتباط با اول ماه مه امسال و معلمان زندانی رسول بدایی، علیرضا قنبری، سید محمود باقری، علیرضا هاشمی و نیز کلیه کارگران زندانی مانند: منیژه صادقی، فعال حقوق زنان و حقوق کودکان و کارگری، بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی، شاهرخ زمانی، کوروش بخشنده، سعید شیرزاد، حامد محمود نژاد، رضا شهابی زکریا، رضا امجدی، نظام صدقی، یوسف آب خرابات، واحد سیده، ریوار عبداللهی، مهدی فراحی شاندیز عضو کمیته پیگیری و

دیگرانی که که در حال گذراندن محکومیت های سنگین خود در زندان ها هستند و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم.

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴ برابر با ۰۶ می ۲۰۱۵

>>>>><<<<<

کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران - استرالیا برگزار می کند:

بیست و هفتمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی

در ایران

علیه اعدام علیه شکنجه

آه ای مادر، پی گورم مگرد نقش خون دارد نشان گور من

۲۷ سال از قتل عام زندانیان سیاسی توسط رژیم جمهوری اسلامی در ایران می گذرد، اما هنوز ضجه مادران به گوش می رسد، قامت پدران خمیده تر گشته است، اشک خون خواهران و برادران را پایانی نیست. تا آن روزی که آمران و عامدان جنایات سازمان یافته علیه فرزندان این مرز و بوم در دادگاه های نیکوکارانه به سزای اعمالشان نرسند، آرام نمی گیریم. بیانیید یاد جانبختگان راه آزادی و عدالت اجتماعی را گرامی بداریم، صدای بی صدایانی باشیم که نه می بخشند و نه فراموش می کنند. برای همبستگی با بازماندگان قتل عام ۶۷ و اعتراض به شکنجه و اعدام هر روزه توسط رژیم جنایت پیشه اسلامی، برای اجرای عدالت و برای این که از یاد نبریم جنایاتی را که علیه انسانیت روا داشته شده است! کمیته کارگری دو برنامه را تدارک دیده است

برنامه اول: شامل، سخنرانی، شعر، موزیک و کلیپ و نمایشگاه کتاب می باشد. احمد مزارعی فعال سیاسی و زندانی سیاسی سابق میهمان امسال برنامه است و سخنرانی خود را با موضوع «رشد خشونت از قتل عام زندانیان سیاسی در ایران تا منطقه ای شدن آن» خواهد داشت.

زمان: ساعت ۷ بعداز ظهر ۵ سپتامبر ۲۰۱۵

ورودی: ۱۵ دلار جهت مخارج سالن، موزیک و...

برنامه دوم: سخنرانی با عنوان " ایران خاورمیانه و پی آمد توافقات هسته ای " و پرسش و پاسخ با احمد مزارعی

زمان: ساعت ۷ بعداز ظهر ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۵

ورودی: مجانی

محل هر دو برنامه: پنت هیلز کامیونیتی سنتر، پنت هیلز، روبروی ایستگاه قطار پنت هیلز نبش خیابان رمزی و یارارا

Pennant Hills Community Centre

Corner Yarrara and Ramsay Rd opposite pennant Hills train station

برای اطلاعات بیشتر با شماره موبایل 0413489420 تماس بگیرید.

proletarianunite@gmail.com

" استخوان به جان رسیدگان"، فریاد می کنند:



- آزادی معلمان زندگانی
- لغو احکام قضایی
- منزلت، معیشت، حق معلمان است
- آموزش رایگان
- تبعیض و بی عدالتی و غم نان تا به کی؟



- سکوت ما، رضایت نیست!
- ترمیم و اصلاح حقوق و دستمزدها
- بی توجهی به معیشت معلم = بی توجهی به آینده دانش آموزان
- مشارکت تشکل های مستقل فرهنگیان در تدوین کتاب های درسی
- رفع تبعیضات



دومین تظاهرات بزرگ و سراسری امروز معلمان در شهرهای تهران، کرج، اراک، ساوه، خمین، دهدشت، شهرکرد، سنندج، قروه، مریوان، خرم آباد، بروجرد، الیگودرز، نورآباد، دلفان، کرمانشاه، یزد، بجنورد، سبزوار، جاجرم، زنجان، ابهر، قزوین، مشهد، بندرعباس، بندر "امام"، بوشهر، قزوین، همدان، شاهرود، ایلام، رشت، شهرضا، زاهدان، زرین دشت، داراب، ایوان و... نشان از آگاهی، عدالت خواهی و رزمندگی این زحمتکشان و سازندگان نسل های آینده ماست.

فعالان نهاد های همبستگی با شادباش به این عزیزان، حمایت قاطعانه خود را از مطالبات انسانی و برحق آنها اعلام داشته و در انتظار تداوم اعتراضات گسترده تر و پیروزمند آنان همدوش سایر زحمتکشان، کارگران، پرستاران و ... در یازدهم اردیبهشت (روز جهانی کارگران) و دوازدهم اردیبهشت (روز معلم)، در سالروز ترور دکتر ابوالحسن خانعلی هستیم.

پیروز باد مبارزات حق طلبانه معلمان

مستحکم باد پیوند مبارزه جویانه معلمان، کارگران و پرستاران

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

پنجشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۴ برابر با ۱۶ آوریل ۲۰۱۵

چنین گفت پیامبر استگویی. زگهواره تا گوردانش بجوی. توانا بود هرکه دانا بود. زدانش دل پیر برنا بود. پیامبر بدست پینه بسته کارگربوسه زد.

اینها بخشی از شعارهای دوران اولیه شکلگیری حکومت اسلام ناب محمدی بود که پس از کودتای بیست و دوم بهمن ماه سال پنجاه و هفت و اطمینان از مصادره حاصل انقلاب ملت ایران بطور مکرر در گفتار خواندها و جیره خواران درگاهشان شنیده میشد اما هرچند از سوار شدنشان بر خرمراد میگذشت و بر قدرت و ثروت دست یافتند آنچه بر ملت درد کشیده ایران روا داشتند دقیقاً برخلاف شعارهای و گفته های ادعایی آنها بود که پس از سی هفت سال بصورت عریان و با استفاده از بی خردان و قداره بندان ولات ها و دزدان و قاتلین و اختلاسگران و دروغگویان ضد علم و دانش و آگاهی هر روز موقعیت مردم را تضعیف و مواضع خود را تحکیم می بخشند و در مقابل خواست ها و مطالبات اقشار فرودست و آسیب دیده و زحمتکششان اعم از معلمین و کارگران و پرستاران و روزنامه نگاران و خبرنگاران و کشاورزان و دامداران خود را پاسخگونی دانند و در صورت هرگونه اعتراضی علیه ستم و تبعیض حاکمان با شدیدترین وجه سرکوب و دستگیر و شکنجه و به حبس های طولانی محکوم میشوند هرچند بر اثر فشارهای روزافزون و غارت و چپاولهای هر روزه چند هزار میلیاردی بیت و باندهای تحت فرمانش بر تعداد بیکاران و تعویق حقوق و مطالبات نیروهای حقوق بگیر افزوده و به همان نسبت اعتراضات و اعتصابات علیه بیدادگریهای رژیم فاشیسم دینی گسترش بیشتری میگیرد و نوید خیزش سراسری را میدهد اما جای سنوآل است که با توجه به کارنامه سیاه چنین حکومتی طی سی و هفت سال گذشته چگونه است که دول سرمایه داری با تمام ادعایی که نسبت به دفاع از حقوق بشر و حقوق شهروندی دارند همچنان به بازیهای کثیف پیش و پس پرده خود با وحشی ترین حکومت تاریخ بشریت و پدر خوانده تروریسم بین المللی ادامه میدهند و بی پرده به ملت تحت ستم و تبعیض ایران که طی عمر سیاه حکومت ولایت مطلقه فقیه که ناروایی های بسیار دیده اند دروغ میگویند و با استفاده از بزاری از وجود این حکومت در منطقه خاورمیانه و آفریقا به موقعیت اقتصادی و مواضع استراتژیکی خود تحکیم می بخشند روز 31 تیرماه معلمین که در واقع جهان و جهانیان از دوران پسا بدویت تاکنون خود را مدیون زحمات و تعلیم و تربیت آنها میدانند هنگام برگزاری اعتراض سکوت در مقابل بصطلاح مجلس رژیم یا بهتر بگویم طویله گوسفندان آغا مورد یورش گزیه های ولی فقیه قرار گرفتند و پس از ضرب و شتم حدود صدتن از آنها دستگیر و به زندان ساختمان وزرا برده شدند هرچند از زمان ظهور حکومت ارتجاع این اولین باری نیست که به مقام شامخ معلمین اهانت میشود و در میان جانفشانان دهه شصت بسیار عزیزان معلم زن و مرد نامشان در دل تاریخ ثبت شده است و جان بر سر عهد و ارمان خود گذاشته اند اما آنچه امروز ما بعنوان یک انسان درد کشیده از امید دهد چگونه است که در تهران چهارده میلیونی با تمامی فشارها و سرکوبها و دستگیریها و اعدامهایی که رژیم نسبت به عزیزان آنها روا داشته و میدارد از چنین جنبش ها و اعتراضات و اعتصابات معلمین و کارگران و پرستاران زحمتکش که همواره آماده خدمات رسانی به خود و فرزندانشان بوده و هستند حمایت و پشتیبانی نمی کنند تا حاکمان حکومت جهل و جور و فساد و جنایت اخوندی را وادار به عقب نشینی کنند که این میتواند نقطه عطفی برای جنبشهای اجتماعی باشد زیرا حکومت بخوبی دریافته که اولاً زیر بار فشارهای داخلی و خارجی قادر به ادامه حیات نیست و از طرفی خود را در چاه مداخلات بی ثمر چندین کشور منطقه گرفتار کرده و از سویی جنگ گرگهای درون رژیم و افشای فسادها و اختلاسها می رود که شاهرگش را قطع کنند و این بهترین زمان برای خیزشهای اجتماعی میباشد چراکه بحران بیکاری و بی آبی و وضعیت اسفبار محیط زیست و تورم کمر شکن و مهاجرت میلیونها تن به حاشیه شهرهای بزرگ میتواند دلایل قاطعی باشند برای مقابله با حاکمان مستبدی که ضمن بی توجهی به خواسته های هشتاد درصد از مردم با بهره گیری از قوانین قرون وسطایی هزاران انسان پاک و از ادیخواه را بجرم عقیده و دفاع از حقوق شهروندی و فعالین کارگری و دانشجویی و زنان و فعالین مدنی را به بند کشیده است که یقیناً در صورت سراسری شدن جنبش های اجتماعی موجب رهایی آنها و سرنگونی رژیم اخوندی خواهد شد. پیش به سوی نافرمانیهای مدنی و حمایت از جنبش های صنفی کارگران و معلمین و پرستاران. به امید فردای آزادی متحد و پیروز باشید. با مهر و سپاس غلام عسگری فعال کارگری در تبعید.



آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، دفتر رهبری، خیابان کشور دوست، تهران، ایران

پاریس 8 ژوئیه 2015

سازمان‌های سندیکایی فرانسوی س اف د ت، س ژ ت، اف اس او، سولیدر، او ان اس آ، توجه شما را نسبت به وضعیت آقای اسماعیل عبدی، دبیر کل کانون صنفی معلمان ایران جلب می‌کند. نامبرده که قصد تهیه ویزای سفر به کانادا را داشت در 27 ژوئن 2015 دستگیر می‌شود. عبدی قصد داشت که در هفتمین کنگره جهانی آموزش جهانی (EI) که از 21 تا 26 ژوئن در شهر اوتاوا برگزار خواهد شد، شرکت کند.

از نظر ما دستگیری آقای عبدی نمونه دیگری است از اقدامات مقامات کشور شما در جهت خاموش کردن صدای مبارزین سندیکایی. علاوه بر محکوم شدن عبدی به 10 سال حبس تعزیری به دلیل فعالیت‌های صنفی‌اش، از گزارشات چنین مستفاد می‌شود که وی از سوی سازمان‌های اطلاعاتی کشور برای استعفا از مقام دبیری کانون صنفی معلمان در ایران تحت فشار بوده است.

دستگیری آقای عبدی در پی تجمعات اعتراضی‌ای بود که معلمان در اوایل سال جاری در اعتراض به حقوق پایین‌تر از خط فقر برگزار کردند.

پنج معلم دیگر کماکان در زندان بسر می‌برند: علی اکبر باغانی، رسول بداعی، محمود باقری (از اعضای شورای کانون صنفی معلمان ایران)، علیرضا هاشمی و علیرضا قنبری.

ما سازمان‌های سندیکایی فرانسوی خواستار آزادی فوری سندیکالیست‌های زندانی هستیم. ما هم چنین از شما می‌خواهیم بوده حق آقای اسماعیل عبدی برای سفر به کانادا و شرکت در هفتمین کنگره جهانی آموزش بین‌الملل را به رسمیت بشناسید.

CFDT : Philippe Réau preau@cfdt.fr + 33 6 48 36 03 93

CGT : Ozlem Yildirim o.yildirim@cgt.fr + 33 1 55 82 82 83

FSU : Michelle Olivier michelle.olivier@snuipp.fr + 33 6 15 62 15 10

Solidaires : Alain Baron contact@solidaires.org + 33 1 58 39 30 20

UNSA : Emilie Trigo emilie.trigo@unsa.org + 33 6 21 40 16 50

رونوشت به ، آقای حسن روحانی، رئیس جمهور، آقای صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه، سفیر ایران در پاریس

ترجمه و بخش از :

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه

اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس



نهاد های همبستگی با جنبش کارگری ایران - خارج از کشور و دستمزد کارگران

تصویب چنین مزد حقارت باری، جزگسترده فقر، نداری، گرسنگی و

دشواری امنیت شغلی کارگران، حاصلی بدنبال ندارد

تمامی سال ۱۳۹۳، حاکمیت اسلامی تحت شعار "اقتصاد مقاومتی" و "مدیریت جهادی" و رجزخوانی فائق آمدن بر بحران ساختاری و پایان بخشیدن بر تورم افسارگسیخته بر تمامیت جامعه، سالی بغایت دشوار را برای کلیت طبقه کارگرایران فراهم آورده است. سالی که کارگران را دسته دسته اخراج کردند تا آنان را از اعتصاب، تجمع و فریاد مطالبه خواهی شان باز دارند. طی سال کارگران معترض و سازمانگر را به جای پاسخگویی به مطالبات شان، هم اخراج ساختند و هم توسط دولت در حمایت از کارفرمایان به دست قوه قضایی سپردند که نمونه های آن در همین سال، محاکمه، زندان و تبعید، شلاق چهارکارگر اخراجی "مجمع پتروشیمی رازی"، نه (۹) کارگر معترض "معدن بافق یزد" و این اواخر فراخواندن بیست و هشت تن از "کارگران معدن چادرملو" به دادگاه بوده است. ما با چنین بیدادی در زندگی سراسر مشقت بار کارگران ایران وارد سال جدید می شویم.

برای بازنمایی مسئله تعیین نرخ دستمزد کارگران، جدا از راهکار قانونی که پایه رقم دستمزد را در انطباق با نرخ تورم رسمی موجود و سبب هزینه معیشت جاری خانواده ای کارگری محق می شناسد. امسال جانبداران اصلاح ساختاری در درون نظام، برآنند که نمایندگان به اصلاح کارگری، تحت نام گروه کارگری شورای عالی کار، با اعلام مخالفت با ارقام مورد توافق نمایندگان دولت و کارفرمایان در معیت وزیرکار علی ربیعی، پای سندتوافق را امضاء نکنند و در عوض شکایت به "سازمان جهانی کار" برند. گفتنی آنکه همه ما شاهد بودیم چنین ترفندی را در سال گذشته با واداشتن اعلان طرح شکایت به "سازمان دیوان عدالت اداری" پی گرفتند، نه تنها راه بجایی نبردند. بلکه در عوض رسیدگی به پرونده، بعد از نزدیک به یکسال، شکایت شاکیان را موجه نشناخته و پرونده شکایت آنان را مختومه اعلان داشتند. پرسش اساسی این است که طرح شکایت به "سازمان جهانی کار"، چنانچه با پشتوانه قدرت و عمل تاریخی فشار تشکل های مستقل کارگری همراه نباشد، آنهم در شرایطی که اعتصاب ممنوع است. حق تشکل از کارگران گرفته شده، حق اجتماعات کارگران غیر قانونی است و کارگر معترض را احضار و به زندان روانه می سازند، چگونه می توان پشتوانه فشار به "سازمان جهانی کار" را با تنها شکایت اداری پی گرفت؟

می دانیم که هنوز آمارهای رسمی بانک مرکزی یا مرکز آمار ایران، برای میزان تورم موجود اعلام نشده است. ولی دولت میزان تورم را در سال جاری حدود ۱۷٪ اعلام نموده است اما از طرف دیگر نیک می دانیم که قیمت مواد خوراکی که بیشترین مصرف در بین خانوارهای کارگری را دارد بشدت افزایش یافته است. مهمترین آن نان از ۳۰ تا ۶۰٪ گرانتر شده است، همچنین برخی اقلام خوراکی از جمله حبوبات بیش از ۱۰۰٪ افزایش قیمت را تجربه نموده اند. با بالا رفتن نرخ برق، آب و گاز و برخی اقلام دیگر هم روبرو هستیم.

برای حفظ قدرت خرید سال ۹۴ نسبت به سال ۹۳ با تورم اعلام شده ۱۷٪ حداقل حقوق می بایست حدود ۴۳٪ افزایش یابد در غیر اینصورت طبقه حاکم و دولت نمی تواند حتی ادعای حفظ قدرت خرید کارگران و مزدبگیران در سال ۹۴ را داشته باشد و چنین ادعایی یک عوام فریبی و وعده پوچ است. اما با توجه به فاصله بسیار گسترده بین دستمزد و سطح زندگی در سال های قبل و تا سال ۹۳ جز افزایش ۳۰۰ درصدی بهبود اساسی در وضع معیشت کارگران و مزدبگیران ایجاد نخواهد شد بعبارت دیگر حداقل حقوق در سال ۹۴ را باید برپایه فاصله سبب هزینه یک خانواده چهارنفره با حداقل مزد خفت بار ۶۰۸ هزار تومانی پر نمود. ایجاد نظام حمایت بیمه ای و تأمین درمان کامل توسط تأمین اجتماعی در سطح استانداردهای جهانی را از جمله مطالبات فراموش شده کارگران به شکل متعارف پذیرفت و بدان عمل نمود، در غیر اینصورت ما شاهد افزایش شتاب فقر و بی خانمانی و تنگدستی همه توده میلیونی رنج و کار جامعه فراتر از آنچه تا به امروز شاهد بوده ایم در سال آینده نیز نظاره گرآن خواهیم بود.

امروز همچون دیروز، بحث رسمی حداقل دستمزدها رابطه آن با سازمان یابی صنفی و طبقاتی مستقل کارگران است. درمطبوعات رسمی رژیم به روال هر ساله برای توجیه علت عقب ماندگی دائمی و حداقل دستمزد از سطح واقعی تورم مطرح می شود اما علت اصلی همچنان ناکفته می ماند. حداقل دستمزد در نظام سرمایه داری، بخصوص سرمایه داری بدوی درآمیخته با واپس گرایی های رژیم مذهبی و استبدادی حاکم، نمادی واقعی از رابطه میان حق با قدرت است. هر که قدرت دارد حق دارد اما آحاد بدون قدرت، بسته به میزان ضعف شان و نیازهای روز حکومت، کمتر یا بیشتر لگدمال می شوند. دستمزد کارگران فقط به این دلیل سال هاست پائین تر از نرخ واقعی تورم تعیین می شود که کارگران قدرت کافی برای واداشتن حکومت به تمکین در برابر اراده خودشان را ندارند. در واقع هر بحث واقعی در باره حداقل دستمزد بحثی در باره قدرت چانه زنی طبقه کارگر برای بهبود وضع معیشتی آن است و بنابراین ابتدا باید دید که آیا اصولاً طبقه کارگر با توجه به توازن قوای موجود، به تنهایی قدرت چانه زنی دارد یا نه؟

به اعتقاد ما پر کردن این همه شکاف طبقاتی تنها و تنها با داشتن و سازمانیابی تشکلی مستقل و سراسری کارگران فراهم می آید. مساله حداقل دستمزد اگر وظیفه اش این است که کارگران را متحد کند و آگاهی بدهد، باید بتواند فصل مشترکی بین کارگران ایجاد کند. خود اعلام رقم ماهانه دستمزد، به خودی خود، چیزی را روشن نمی سازد. ما می خواهیم از بحث حداقل دستمزد برای متحد شدن کارگران استفاده کنیم، پس باید کارگران در آن ذینفع باشند و بتوانند با بسیج همه نیروی طبقاتی خود، تمامی روزها، هفته ها، ماه ها، سال را به میدان تعیین این نبرد اختصاص دهند.

باید از امروز به مانند کارگران سراسر جهان، قرارداد دسته جمعی و تعیین دستمزد برپایه ساعات کار روزانه و بالا بردن قدرت خرید را به میان کشید. تنها اثبات این بحث است که مشخص می گردد که بانرخ هر ساعت کار چه حد می توان خرید نمود و برای تأمین احتیاجات زندگی قدم برداشت. تبلیغ وسیع همین بحث، تعیین نرخ دستمزد برپایه هر ساعت کار، برای هر کارگر، معیاری بوجود می آورد تا بتواند بانقشه مندی بیشتری با زندگی خود ارتباط برقرار کند و این می تواند نقطه اشتراکی میان تمامی کارگران باشد.

از اینرو ما با طرح این بحث ها، مادامی می توانیم توازن اتحاد طبقاتی را در بین کارگران بالا ببریم و فصل مشترکی بین بخش های مختلف کارگران بوجود آوریم که همواره بر این امر تأکید بورزیم، تعیین نرخ دستمزد، تنها بر مبنای "ساعت کار" است که میان یک کارگر پیمانی با یک کارگر رسمی فصل مشترک ایجاد می شود و از این طریق می توان اتحاد بوجود آورد. بعبارتی بحث حداقل دستمزد باید بحثی باشد که همه کارگران را دربرگیرد و هر کارگر چه قراردادی، چه رسمی و چه پیمانی بتواند آن را، بحثی مربوط به خود بداند. دستمزد بر مبنای ساعت کار می تواند فصل مشترکی میان کارگران اعم از پیمانی، قراردادی و یا رسمی ایجاد کند. بیگمان طبقه کارگر، مادامی می تواند مبارزه برای افزایش دستمزد را بر مبنای ساعت کار پیش ببرد که تشکلی طبقاتی خودش را هم داشته باشد.

از نظر ما؛ مهم ترین درسی که بحث حداقل دستمزد برای فعالان کارگری به همراه دارد این است که مساله کمک به ایجاد تشکلی های مستقل طبقاتی کارگران را به اولویت اساسی کار و پیکار روزمره خود چه در فصل تعیین دستمزد و چه پس از آن تبدیل کنند. زیرا فقط از درون نتایج این اولویت بخشی است که زمان تعیین حداقل دستمزد می تواند به زمانی برای صف بندی واقعی طبقاتی نیروی کار علیه دولت و کارفرمایان سمتگیری کند.

روشن است که پایه اصلی این قدرت در اتحاد و انسجام طبقاتی و سازمان یابی مستقل نیروی کار نهفته است. رژیم اصل "سه جانبه گرایی" کذایی را به عنوان دکوری جلوی طبقه کارگر گرفته است تا مدعی شود که در

شورای عالی کار، کارگران هم‌نماینده می‌شوند. در حالی که افرادی که به عنوان نمایندگان کارگران پشت میز مذاکرات شورای عالی کار در اطاق‌های در بسته حضور می‌یابند، ایادی رژیم اند و هیچ ربطی به کارگران ندارند و هرگز و هیچ‌کجا از سوی کارگران انتخاب نشده‌اند. در واقع مهم‌ترین درسی که روش حکومت در تعیین سالانه حداقل دستمزد و پائین بودن همیشگی و دائمی آن از نرخ واقعی تورم برای کارگران دارد، این است که آنها تا زمانی که نتوانند خودشان را به صورت مستقل سازمان دهند و به قدرتی واقعی تبدیل شوند که حکومت مجبور باشد آن قدرت را در معادلات خود در نظر بگیرد، همچنان زیر تازیانه دولت و کارفرمایان از حداقل دستمزدی منطبق با نرخ تورم هم محروم خواهند ماند.

یک نکته قابل تامل اینست که؛ کارفرمایان در طول سال، مشکلات خود را بیان و پیگیری نمی‌کنند ولی در پایان سال با اعلان وضع بد و ناهنجار خویش، می‌خواهند آن‌ها را بر سر کارگران خراب کنند تا با این بهانه، مزدبگیران را سرکوب کنند. در صورتی که این وضعیت بد هم در برخی و خیلی موارد صرفاً یک شعار است و طبق بررسی‌ها در بسیاری از مشاغل و حرفه‌ها از جمله ساختمان، هنوز از دامنه سود مناسبی برخوردار هستند. نقش دولت نیز بنا بر تعریف، می‌بایست خودش مسئول فراهم کردن معیشت مناسب برای شهروندان باشد و نمی‌تواند به هیچ بهانه‌ای (اعم از تحریم یا وضع بد اقتصادی و کاهش قیمت نفت و غیره ...) این وظیفه را به انجام نرساند. این ادعا که افزایش مزد، منجر به نقدینگی و تورم زیاد می‌گردد، یکی دیگر از نظریات دست راستی‌ها در پیشبرد سیاست‌های نئولیبرالیستی بوده تا بدین طریق تعدیل نیرو و سرکوب را افزایش دهند.

لذا از نظر ما فعالان «نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور»، آنچه که در دوره اخیر در محور چانه زنی بین نمایندگان دولت به مثابه بزرگترین کارفرما که به سهم خویش در شورای عالی کار، رویکرد کارفرمایی دارد، همراه نمایندگان بخش خصوصی کارفرمایان و سه تن درویشی، بقائیان و صالحی اعضای «کارگری» شورای عالی کار و ناصر چمنی و دادود حسین خانی بعنوان مشاوران کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران، پیش برده شده است، در فقدان هرگونه تشکل مستقل و نبود حق اعتراض، اجتماع و اعتصاب، این جمع هیچ ابزار فشاری تلقی نمی‌شوند و شورای عالی کار فقط به مثابه یک ویترین افتخاری است که بله، ما هم چانه زنی و شورا داریم! این سطح چانه زنی تماماً یکسویه و بدون توجه به وضع تورم و گرانی‌های موجود سبب هزینه زندگی کارگران و خاک پاشیدن به میدان زندگی آنان است.

در پروسه همین چانه زنی‌ها سرانجام نشست «شورای عالی کار» در پایان روز یکشنبه و در ساعات اولیه روز ۲۵ اسفند ۹۳، مزد کارگران را «با ۱۷ درصد افزایش نسبت به سال جاری معادل ۷۱۲۴۲۵ تومان» تعیین و تصویب کرد. و این درحالیست که روز ۲۸ بهمن ۹۳، خبرگزاری دولتی مهر، خط فقر را با رقم «۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان» گزارش کرده بود، حاضرین در این نشست با هماهنگی کامل دولت و وزیرکار و تبعیت کامل رهبران تشکیلات زرد و ضد کارگری شورای عالی کار، دستمزد سال ۹۴ کارگران را تقریباً به میزان یک پنجم خط فقر تصویب کرد.

برای ما فعالان «نهادهای همبستگی ...» تصویب نمودن چنین مزد حقارت باری که با افزایش رقم ۱۷ درصدی، همراه گشت. هیچ معنایی جز گسترده‌تری فقر و ناداری، گرسنگی و دشواری سطح معیشت و امنیت شغلی یکایک کارگران حاصلی بدنبال ندارد. از اینرو ما از هر سطح تلاش و تحرک در درویشی امر مبارزه بر سر افزایش دستمزدها، تمامی کارگران واحد‌های صنایع-تولیدی و خدمات، اعتراضات پرستاران و معلمان را مثبت و قابل توجه و پشتیبانی خود اعلام می‌داریم و برآنیم؛ در شرایط کنونی باید بحث افزایش دستمزد را از طریق بحث‌های مشخص مربوط به زندگی کارگران، به سطح تمامی نیروی میلیونی طبقه کارگر کشاند و نیروی مبارزاتی هرچه بیشتری در این مسیر فراهم آورد. بدون شرکت بخش‌های مختلف طبقه کارگر، در مبارزه برای افزایش دستمزد، دستمزد طبقه کارگر افزایش نخواهد یافت و وضعیت طبقه کارگر بهبود پیدا نخواهد کرد.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور

nhkommitttehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۳ برابر با ۱۶ مارس ۲۰۱۵

بر علیه مجازات اعدام، قتل سازمان یافته حکومت دیکتاتوری رژیم اسلامی، متحداً عمل نماییم!

رسالت و مأموریت روحانی در این بود که با هزینه کردن از جیب خالی کارگران و سایر زحمتکشان، سرکوب و اعدامهای گسترده بدون توقف، نظام سرمایه را حفظ کند. جمهوری اسلامی، بقاء خود را در فقر روز افزون زحمتکشان، زندان، شکنجه، اعدام و سلب آزادی توده های زحمتکش جامعه جستجو می نماید. دوران حکومت بربریت رژیم اسلامی مملو از خشونت و آدمکشی است که هر روز آن را تولید و باز تولید می نماید.

دستگیری فعالین کارگری و سیاسی و اجتماعی، سرکوب اعتصابات و اعتراضات و صدور احکام زندان بی شرمانه برای آنان در ادامه پروژه اعدامها توسط دیکتاتوری اسلامی هدفی جز ایجاد ترس و واهمه در جامعه ندارد. مجموعه این سرکوب ها و اعدامها، اعم از زندان و اعدام فعالین کارگری و دیگر آزادیخواهان، دامن زدن به ایجاد یک فضای ارباب عمومی است که حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی در مدت بیش از سه دهه از عمر ننگین اش کوچکترین تخفیفی در آن قائل نبوده است.

مجازات اعدام، به مثابه قتل سازمان یافته یکی از شنیع ترین ابزارهایی است که چه در دست حکومت های دیکتاتوری و چه حکومتهایی که ادعای دموکراسی بورژوازی را دارند، به عنوان قتل عمد و ارتکاب جنایت با تصویب دولت با روندی جنون آمیز به پیش می رود و از هر طیف و اقلشاری را در بر می گیرد. اعدام همیشه نقض اساسی ترین حقوق بشر هر جامعه است. شهروندان هر جامعه ای می باید از این حق طبیعی برخوردار باشند که برای خواسته های اقتصادی و سیاسی خود مبارزه کنند، بدون اینکه مورد تهدید حکومتهای جنایتکار قرار گیرند و به زندان و اعدام محکوم شوند.

رنج و درد جسمانی که در زمان حکم اعدام به شخصی وارد می شود قابل تصور و اندازه گیری نیست، همچنین رنج و درد روانی برای فردی که در انتظار مرگ است. این که حکم اعدام شش دقیقه پس از پایان دادگاه انجام شود و یا شش هفته و بیشتر پس از یک دادگاه طولانی، شخص اعدامی در هر کدام از این موارد به درجات متفاوت تحت شکنجه و آزار روحی قرار می گیرد.

اعدام سمبل ترور و وحشت و ضعف حکومت متوحش جمهوری اسلامی است. ایران به مدد حکومت سرمایه مادون قرون وسطایی اش، که از داعشهای آدمکش هم پیشی گرفته، در جهان جزء پیشقراولان جنایت اعدام محسوب شده و رتبه نخست را به نسبت جمعیت دارا می باشد. اعدام در ایران هر ساله رشد صعودی داشته است. بر اساس آمار رسمی سازمان حقوق بشر، در حالیکه در سال ۲۰۰۵ تعداد اعدام شدگان در ایران ۹۴ نفر بوده است، این تعداد در سال ۲۰۱۳ به بیش از ۸۰۰ نفر افزایش داشته و ۱۲ درصد بیش از

سال ۲۰۱۲ بوده است. مسلماً با توجه به اعدامهای مخفیانه که خبر آنها کمتر پخش میشود، تعداد اعدام شدگان در ایران باید فزون تر از اینها باشد.

دولت جمهوری اسلامی برای فائق آمدن بر بحران های اقتصادی و سیاسی ناچار است که فضای اجتماعی جامعه را بشدت میلناریزه کند و با سرکوب و اعدام که از زمان آغاز حکومتش تا کنون بطور سیستماتیک و هر روزه ادامه داشته است، اجازه ندهد هیچ نیروی معترضی در جامعه، مبارزه منسجمی را علیه سیستم موجود سازمان دهد.

احضارهای مکرر فعالین کارگری به حراست، دادگاه ها یا اداره های پیگیری اطلاعات، بازداشت های مکرر، تعلیق از کار و احکام سنگین برای در زندان نگه داشتن فعالین کارگری و سایر آزادیخواهان، همه و همه فشارها و مشکلات روزمره ایست که کارگران و توده های مردم از اقشار و طبقات مختلف روزانه با آن مواجه اند.

اکنون فعالین کارگری و زندانیان سیاسی بسیاری در زندان به سر می برند، عده زیادی در انتظار نتایج دادگاه های خود هستند و دهها نفر نیز تحت فشارهای امنیتی و در شرف اعدام قرار دارند.

آنچه مسلم است توقف این اعدامها، یک مبارزه طبقاتی همه جانبه از طرف طبقه کارگر و سایر جنبشهای اجتماعی را می طلبد. طبقه کارگر بنا به رسالت اجتماعی اش تنها نیرویی است که با اعتصابات و اعتراضات خود می تواند بر یکه تازی سرمایه داری تا دندان مسلح افسار زده و به اینهمه جنایت خاتمه دهد و آزادی فعالین کارگری، سیاسی و اجتماعی دربند را تضمین نماید. همچنین باید این معضل جدی اعدامها را در سطح خارج کشور منعکس و افشاء نموده و از تمام نهادها و اتحادیه کارگری در سطح بین المللی خواهان حمایت از توقف و لغو اعدام و محکوم کردن جمهوری اسلامی شد. فعالین نهادهای همبستگی در این راه از هیچ اقدامی خودداری نخواهند کرد.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

یکشنبه ۵ بهمن ۱۳۹۳ برابر با ۲۵ ژانویه ۲۰۱۵

اجلاس سالیانه سازمان

جهانی کار و اعتراض ما

اعتراض ما به همراه دیگر نهادهای مدافع حقوق کارگران جهان و ایران، در هنگام برگزاری اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار در ژنو، ممکن است این سوال را در اذهان ایجاد کند که، با توجه به اینکه ما قبلاً درک خود را در رابطه با سازمان مذکور بیان کرده و کوچکترین ابهامی در رابطه با عملکرد و اهداف آن نداریم (در پایین این سند ضمیمه است)، چه هدفی را دنبال می‌کند. بد نیست ابتدا سابقه و نیز تاریخچه شکل‌گیری سازمان جهانی کار (آی ال او) را مرور کنیم. (منبع: ویکی‌پدیا)

پیشینه این سازمان:

« سازمان بین‌المللی کار یکی از موسسات تخصصی سازمان ملل متحد است که به امور مربوط به کار و کارگران می‌پردازد. این سازمان در سال ۱۹۱۹ و در نتیجه بحث‌های کنفرانس صلح پاریس تأسیس شد. سازمان بین‌المللی کار در آغاز وابسته به جامعه ملل بود و پس از تأسیس سازمان ملل متحد از سازمان‌های وابسته به آن شد. منشور فعلی سازمان که به بیانیه فیلادلفیا معروف است در سال ۱۹۴۴ تصویب شد.

مقر این سازمان در شهر ژنو در کشور سوئیس است. سازمان هر سال در ماه خرداد کنفرانسی برگزار می‌کند.»

پیرامون تاریخچه تأسیس این سازمان نیز آمده است:

« سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۱۹ پس از پایان جنگ جهانی اول در زمانی که کنفرانس صلح در کاخ ورسای بر پا بود، شکل گرفت. نیاز به پیدایش چنین سازمانی در قرن نوزدهم به وسیله دوتن از صنعتگران ولزی و فرانسوی یعنی رابرت اوون و دانیل لگراند مورد تأکید و پیگیری قرار گرفته بود. پس از آنکه طرح مذکور در خلال همکاری‌های بین‌المللی جهت تدوین قانون کارگران در سال ۱۸۹۰ در باسل مورد توجه قرار گرفته بود. سازمان ILO با هدف تدوین مقررات و قوانین بین‌المللی در جهت بهینه‌سازی استانداردهای بین‌المللی کار و حصول اطمینان از بکارگیری آنها متولد شد. قانون ILO در بین ماههای ژانویه و آوریل ۱۸۹۰ به وسیله کمیسیون کار در کنفرانس بین‌المللی صلح تدوین شد. این کمیسیون ترکیبی بود از نمایندگان کشور بلژیک، کوبا، چکسلواکی، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، لهستان، بریتانیا، و ایالات متحده آمریکا که رهبری کمیسیون را ساموئل گامپرس، رئیس فدراسیون کارگری آمریکا (AFL) بر عهده داشت. نتیجه این نشست بروز سازمان سه جانبه‌گرایی بود که تنها سازمانی بود که نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران را در یک نقطه سامان می‌داد. قانون ILO فصل هشتم معاهده صلح ورسای است.»

برگرفته از ویکی‌پدیا یا دانشنامه آزاد:

اقدام اعتراضی ما چه هدفی را تعقیب می‌کند؟

برای کسانی‌که آشنایی با ماهیت سازمان جهانی کار (I.L.O) نداشته باشند ، امکان دارد اینگونه تصور شود که گویا این سازمان در مقام " ناجی " و حمایتگر همه جانبه منافع کارگران ایران یا در مقام "قاضی" بی طرف میان رژیم سرمایه داری حاکم و طبقه کارگر ایران قرار گرفته است .

ما برآنیم که سازمان بین‌المللی کار، سازمانی است که اصولاً به منظور ایجاد قطبی درمقابل انقلاب های کارگری شکل گرفته است . ولی این بدان معنی نیست که فعالان مدافع حقوق کارگران بی تفاوت ازبرگزاری اجلاس سازمان جهانی کارکه در آن نماینده های اتحادیه های کارگری حضوردارند ، بگذرند. ما می توانیم از طریق اتحادیه های کارگری (الزاما از طریق روابطی که با آنها داریم مثل ت ژد در فرانسه) برای اعمال فشار برآن و سیاست های ضد کارگری اجلاس استفاده کنیم ، تاکتیک مناسبی که از طریق آن بتوان اعمال ضد کارگری رژیم اسلامی را افشاء و نماینده گان مزدورشرکت داده شده در اجلاس را رسوا کرد. شرکت دراین حرکت افشاگران در عین حال می تواند انعکاس صدای اعتراضی کارگران درایران باشد که فعالین و نماینده گانشان در زندانها هستند .

بحران عمیق سرمایه داری جهانی منجر به جنگ جهانی اول شد ولی پس از جنگ انقلاب اکتبر و حرکت های کارگری در راستای تشکیل شوراهای کارگری در روسیه ، و سپس درآلمان – اطریش ، مجارستان به وقوع پیوستند. در این میان سرمایه جهانی به ابتکار رئیس جمهور وقت آمریکا یعنی " ویلسون " برنامه چهارده ماده ای را به عنوان صلح در قرارداد ورسای درژوئن ۱۹۱۹ ادامه داد . درراس این برنامه ایجاد نهادی به نام « اتحادیه ملل » بود که بنیاد (سازمان بین المللی کار) را بنا نهادند .

سازمان بین المللی کار (I.L.O) از ابتداء برای تحمیل کارگران در سطح جهان و جلوگیری از تشکیل شورای های کارگری و شکل های مستقل کارگری توسط امپریالیسم پایه گذاری شده تا در مرکز قوانین آن مشارکت دولت و کارفرما و کارگران منتخب خود دولت ها در سطح کشورهای دیکتاتوری بدور از حضور نمایندگان اتحادیه های کارگری و منتخب خود کارگران، گزینش شبه کارگرانی را به مثابه "اسیر" در این معادله نماینده دولت و کارفرما در مضمون سه جانبه گرایی جای دهند .

از نظر ما همانطوری که سازمان ملل متحد خود، یکی از اهرم های حافظ نظم موجود جهانی و سلسله مراتب زورگویانه حاکم برآن است و به دلایل عدیده ای نمی تواند تجسم وجدان بشریت باشد یا حتی منافع اکثریت آحاد جمعیت در کشورها را نمایندگی کند، سازمان های زیر مجموعه آن از جمله همین "سازمان بین المللی کار" نیز نمی تواند جدا از اهداف و سیاست های آن باشد. برای ما نیک مشخص است که هر بحثی در باره مشروعیت و کارکرد نهادهای بین المللی موجود، خواه ناخواه بحثی در باره مشروعیت و کارکرد قوانین بین المللی موجود هم هست. اگر نهادهای بین المللی موجود نهادهایی هستند برای تنظیم رابطه دولت ها که عمدتاً در جهت حفظ منافع امپریالیسم آمریکا و قدرت های متحد سرمایه جهانی آن عمل می کنند ، قوانین بین المللی موجود و پذیرفته شده از طرف این نهادها نیز در راستای همین وظیفه تنظیم شده اند. برای ما روشن است که اینها سازمان هایی میان دولتی هستند که کار در آنها از طریق زد و بند میان دولت ها پیش می رود. ولی آیا این حد آگاهی ما وسیله می گردد که از ابزارنظم بورژوازی و درعین حال نداشتن هیچ توهمی نسبت به ماهیت و کارکرد آن ، برای تعمیق یافتن مبارزه فرودستان جامعه خود و جامعه جهانی از آن بهره نگیریم و مبارزات خود را صیقل ندهیم و تعمیق نبخشیم؟ سازمان جهانی کار همانطور که در بالاتر اشاره شد با فشار و خطر شوراهای کارگری بر علیه سرمایه درمقابل و کنترل آن توسط سرمایه داری ساخته شد، توازن قوای جنبش کارگری و نیز سایر جنبش های اجتماعی همین سازمان را در مقطعی تاریخی به عقب نشینی و تن دادن به موضع گیری بر خلاف منافع سرمایه واداشته است .

مثالها ی متعددی می توان دراین زمینه آورد ، از جمله محکومیت وانزوی حکومت نژادپرست درآفریقای جنوبی ، افشاگریها درباره سیاست تجاوزگران امپریالیسم آمریکا در ویتنام و کامبوج ، افشاگری درمورد صهیونیسم وتصویب امتیازاتی هرچند ناقص وناکامل برای خلق فلسطین، دفاع هرچند نیم بند از زندانیان سیاسی از طریق سازمان عفو بین المللی و سازمان حقوق بشر و.....

بنابراین تظاهرات متعددی نیروهای مترقی در برابر ساختمانهای این تشکلات نیز، بی اثر در تصویب و اجرای آن مصوباتی که جنبه مترقی داشته اند، نبوده است . زمانیکه صف چند ده هزار نفری معترضین به تجاوز امپریالیستی آمریکا به ویتنام از جلوی ساختمان سازمان ملل گذشت ، تقویت کننده افشاگری آنانی بود که در درون ساختمان ، در محکوم نمودن آن تجاوز و باخواست پایان آن ، می کوشیدند .

نتیجه اینکه: سازمان جهانی کار دارای ماهیتی کاملاً بورژوائی است و دست سرمایه داری و دولت‌های سرمایه داری را در تجاوز به منافع کارگران از طریق گوناگون از جمله چانه زنی های «سه جانبه گرایی» باز می گذارد. جدا از این امر، در این سازمان در اکثر موارد نمایندگان واقعی کارگران کشورها شرکت ندارند بلکه نمایندگان اینگونه کشورها، فرستادگان دولتی و یاتشکلات قلابی دولتی می باشند و بهیچوجه صلاحیت نمایندگی را ندارند. نمایندگان جمهوری اسلامی ایران از این جمله هستند اگر می پذیریم که این کرسی نمایندگی غصب شده است و بایستی در اختیار نمایندگان واقعی کارگران ایران گزارده شود، پس بایستی برای تحقق این امر هم از درون این تشکل و هم از بیرون مبارزه کرد. از درون می تواند یاری نمایندگان سندیکاهای مترقی عضو و از بیرون با اقدام به انواع تحرکات اعتراضی، نامه نوشتن، از اطلاعات و بیانیه صادر کردن و سازمان دهی آکسیونهای اعتراضی متشکل دست به اقدام زد. کاری که ما به سهم خود در مشارکت با دیگر گروه‌های مدافع حقوق کارگران ایران طی چندسال پیش انجام داده ایم. تکرار نمایش اعتراضی با برپایی سازمان یافته ترمینینگ در برابر ساختمان سازمان جهانی کار در ژنو و در زمان برگزاری نشست سالانه نمایندگان، با درس آموزی از ضعف های سال های پیشین، در مرحله اول به امر اتحاد عمل مدافعین حقوق کارگران در سطح تشکل های موازی خارج از کشور یاری رسانده و دیگر اینکه می تواند به یژواک مبارزه مستقل کارگران در درون کشور هم عهد گردد. زیرا که مبارزه کارگران با اعزام نمایندگان قلابی رژیم از درون و تقویت این مبارزه از بیرون توسط گروه‌های مختلفی، تا کنون تأثیرات مثبت داشته است. ما باید این سنت هر ساله را با جاقنادگی هر چه وسیعتر با پشتیبانان سندیکایی خود در فرانسه و سراسر جهان به پیش ببریم. و صد البته این کار با تدارک سازمان یافته قبلی فراهم می گردد.

فعالین نهادهای همبستگی - همانگونه که تا به امروز در عمل اجتماعی و در اسناد و بیانیه های خود نشان داده اند - همیشه اوقات در امر مدافعه از حقوق کارگران در برابر منافع آشکار سرمایه داری موجود، همواره بر تقدم مبارزه علیه بهره کشی از کارگران در ایران اصرار ورزیده و در این راستا قدمی به عقب بر نخواستند.

سازمان جهانی کار، ارگانی برای تنظیم شرایط کار به نفع دولت‌ها و کارفرمایان است!

کارگران ایران از حق ایجاد تشکلهای مستقل برخوردار نیستند، تشکلهای کارگری موجود، سندیکای واحد و سندیکای هفت تپه و ... تحت فشار و سرکوب هستند و کارگران و فعالین کارگری مورد انبیت و آزار مداوم قرار میگیرند. نمایندگان کارگران و فعالین کارگری در زندانهای رژیم اسلامی اسیر و تحت فشارهای جسمی و روحی بسر میبرند. اعتراضات، اعتصابات و تجمعات کارگری سرکوب میشوند. سازمانها و اتحادیه های کارگری در سطح جهانی و بخصوص نمایندگانشان در سازمان جهانی کار از این موضوع بی اطلاع نیستند. با اینحال هر ساله هیئتی از رژیم جمهوری اسلامی به این اجلاس دعوت شده و مسئولیت به آنها واگذار میشود. حتی همان حداقل مقابله نامه های سازمان مذکور توسط رژیم زیر پا گذاشته میشود.

سازمان جهانی کار که زیر مجموعه سازمان ملل است، با توجه به سابقه و اهدافش تا به امروز نشان داده است که منافع مستقل کارگران، منافعی که از درون مبارزات آنان سرچشمه گرفته باشد، در آن نمایندگی نشده و جایی ندارد. در اثر مبارزات تاریخی طبقه کارگر در کشورهای مختلف در منشور سازمان بخشی از دستاوردهای این مبارزات منجمله حق ایجاد تشکل، قراردادهای جمعی، رفع تبعیض و برابری حقوقی درج شده است. آنچه از اهداف این سازمان بر می آید، تدوین و اجرای قوانینی در چهارچوب مناسبات موجود یعنی تامین شرایط کار در جهت نیاز دولت‌ها و مالکان سرمایه است و منافع کارگران در آن جایی ندارد. درک حاکم بر اجلاس، سیاست سه جانبه گرایی است که دولت‌ها با توجه به تنظیمات ارگانهای جهانی مانند سازمان تجارت جهانی کار و صندوق بین المللی پول می بایست در قوانین کشوری به اجرا بگذارند. از اینرو نمایندگان دولت‌ها، کارفرمایان و تشکلهایی که به نام کارگر از بالای سر توده کارگر و در چهارچوب سیاستهای حاکم سازمان یافته اند، رابطه کار و سرمایه را به اتفاق تنظیم میکنند. این سیاست هیچ ربطی به منافع پایه ای کارگران نداشته و تغییری در بهبود شرایط زندگی آنها ایجاد نمی کند.

هر گونه تغییر در شرایط کار و زندگی کارگران در گرو ایجاد تشکلهای مستقل و متکی به نیروی کارگران و برگزیدن نمایندگان واقعی خود خواهد بود.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

2 ژوئن 2013

مصوبات

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران

خارج کشور

الف: "اشتراکات ما"

- 1- نهادهای همبستگی با کارگران ایران دفاع از خواسته ها، مبارزات و تشکلات مستقل کارگری در همه اشکال آن را مهمترین وظیفه خود می دانند. انعکاس اخبار و مبارزات کارگری و سایر جنبش های اجتماعی در ایران از دیگر وظائف این نهاد ها می باشد.
- 2- این نهادها در مقابل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای ارتجاعی و ضد کارگری و عوامل آنها در سطح کشوری و بین المللی مرزبندی قاطع و روشن دارند. افشا و مبارزه بر علیه این نیروهای ارتجاعی و همچنین افشا و جلوگیری از بهره برداری های نیروها و نهادهای راست و امپریالیستی از مبارزات کارگری از جمله دیگر وظائف این نهادها می باشد.
- 3- تلاش برای ارتباط گسترده تر جنبش کارگری ایران با جنبش بین المللی کارگری و جلب حمایت و همبستگی وسیعترین نیروهای مترقی بین المللی از جنبش کارگری ایران، دفاع از مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی کارگران و سایر اقشار محروم اجتماعی در سطح جهان و شرکت فعال در این مبارزات وظیفه نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.
- 4- تبلیغ ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه در ایران نیز از جمله وظائف ماست.
- 5- تبادل نظر و اطلاعات در جهت خدمت به کار مشترک و نیز حفاظت از نهادهای همبستگی کارگری در خارج از کشور به صورت مشترک در برابر دشمنان طبقه کارگر و به ویژه رژیم جمهوری اسلامی از جمله وظائف مشترک ماست.
- 6- جمع آوری کمک مالی برای تشکلات مستقل کارگری در ایران یکی دیگر از وظائف نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.

ب: "ارگان ها"

یک: مجمع عمومی

- 1- مجمع عمومی عالی ترین ارگان برنامه ریزی و تصمیم گیری نهاد های همبستگی کارگری است. این مجمع عمومی هر 6 ماه یک بار تشکیل می یابد. نشست و یا مجمع عمومی حضوری سالی یکبار برگزار میگردد.
- 2- مجمع عمومی بررسی گزارش های هئیت هماهنگی و واحد ها، پیشنهادات، تغییر یا تکمیل مواد یا مبانی همکاری ها، برنامه ریزی آینده و انتخاب هئیت هماهنگی آینده را بعهده دارد.
- 3- مجمع عمومی با حضور دو سوم نهادها رسمیت می یابد. حضور تمامی اعضا نهادها در مجمع عمومی ضروری و آزاد است.
- 4- به پیشنهاد نصف بعلاوه یک نهادها و شرح ضرورت آن مجمع عمومی فوق العاده فراخوانده میشود.

5- بررسی و پذیرش تقاضای پیوستن نهادهای جدید براساس قبول موازین مشترک جمع و حداقل معرفی یک نهاد صورت می‌گیرد. این تقاضا از طریق کمیته هماهنگ کننده برای همه نهادها ارسال می‌شود که در صورت توافق نصف به علاوه یک نهادها در مدت یک ماه، آن نهاد به عضویت در می‌آید.

تبصره - در صورت ارائه سند از جانب نهادی در مورد عدم صلاحیت نهاد متقاضی عضویت، تصمیم‌گیری برعهده اولین مجمع عمومی می‌باشد.

6 - میهمانان در مجمع عمومی عبارتند از:

الف - رفقانی که هیئت هماهنگ کننده از فعالان کارگری داخل و خارج از کشور دعوت به عمل می‌آورند. شرکت این میهمانان در مجمع عمومی با تأیید دوسوم هیئت هماهنگ کننده صورت می‌گیرد.

ب - رفقانی که در رابطه با مناسبات همبستگی بین‌المللی و ارتباط با گرایش‌های چپ کارگری شهری از طریق رفقای تدارک دهنده مجمع عمومی دعوت می‌شوند. رفقای دعوت شده می‌توانند در تمامی طول جلسات حضور نمایند. با بحث و تبادل نظرات و بعنوان مشاور و انتقال تجربه در مباحث شرکت نمایند و رای مشورتی دارند.

7 - همه اعضای حاضر در مجمع عمومی از حق رای مساوی برخوردار هستند.

8 - نهاد محلی به نهادی گفته می‌شود که حد اقل از سه عضو تشکیل شده و در پیوند با محیط استقرار خود (کشور یا شهر) فعالیت مستمر برای جلب حمایت از جنبش کارگری در ایران داشته باشد.

دو: هیئت هماهنگ کننده

1- مجمع عمومی برای هماهنگ کردن فعالیت‌ها و پیگیری مصوبات، برنامه‌ها و رابطه بین نهادها یک هیئت هماهنگ کننده سه نفره انتخاب می‌کند.

2- هیئت هماهنگ کننده هر 14 روز یکبار تشکیل جلسه داده و وظایف را بر حسب مورد بین خود یا اعضای دیگر تقسیم می‌کند. سایر اعضای نهادها نیز می‌توانند بدون حق رای و تنها با حق مشارکت در این نشست‌ها شرکت کرده و در چهارچوب دستور جلسه تعیین شده توسط هیئت هماهنگ کننده و در محدوده زمانی که برای اظهار نظرات آنها معین می‌شود، نظرات مشورتی خود را ابراز کنند.

3- هیئت هماهنگ کننده مجاز نیست به اقدامات یا برنامه‌های خارج از مصوبات مجمع عمومی بپردازد. همچنین حق نقض و یا تغییر تصمیمات مجمع عمومی را ندارد. هر پیشنهاد یا برنامه جدید باید به اطلاع تمامی نهادها رسیده و با توافق نصف به علاوه یک آنها قابل اجرا خواهد بود.

4- هیئت هماهنگ کننده راساً مجری هیچ برنامه‌ای نیست بلکه می‌کوشد با درگیر کردن تمامی رفقا و تقسیم کار مناسب از طریق تشکیل گروه‌های کاری فعالیت‌های عملی را هماهنگ کند.

5- گزارشات مجامع عمومی، مصوبات، اطلاعیه ها و اخبار مربوط به مجموع نهادها تنها از طریق هیئت هماهنگ کننده انتشار بیرونی می یابد و از طریق ایمیل گروهی توزیع درونی می شود.

6- با توجه به نیاز و ضرورت، جلسات عمومی از اعضای نهادها برگزار میشود. در این جلسات که معادل مجمع عمومی نبوده و از اختیارات مجمع عمومی برخوردار نیستند، نهادها گزارش فعالیتهای خود را ارائه داده و نیز بحث، تبادل نظر و مشورت پیرامون پیشنهادات و فعالیتهای جاری صورت میگیرد. اداره این جلسات عمومی بعهد هیئت هماهنگ کننده بوده و گزارش این جلسات را تهیه و به نهادها ارسال میکند.

7- هر شش ماه یکبار در مجمع عمومی سه نهاد به طور دوره ای و چرخشی برای تشکیل هیئت هماهنگ کننده انتخاب میشوند. هر یک از این نهادها یک نفر را برای شرکت در هیئت هماهنگی معرفی میکنند.

8- هیات هماهنگ کننده می باید بصورت کاملاً پیگیر خواهان ارسال گزارشات شش ماهه نهادها بشود و بعد از بررسی، آن گزارشاتی را که برای انتشار بیرونی مناسب هستند به مجمع عمومی ارائه دهد تا در مورد آنها تصمیم گیری شود.

9- بمنظور انتقال تجربه از هیات هماهنگ کننده قبلی به هیات جدید، ضروری است یک نفر از اعضای هیات پیشین، در جلسات هیات هماهنگ کننده جدید به مدت یکماه بعنوان مشاور حضور داشته باشد.

10- مسئولیت انتشار بیانیه و اطلاعیه ها با هیئت هماهنگ کننده بامکانیزم 48 ساعت گردش و نظرخواهی در درون نهادها میباشد.

تبصره یک: اطلاعیه و بیانیه ها بایستی حتی الامکان کوتاه و روشن در چهارچوب مصوبات و سیاست کلی نهادها و بدون وارد شدن به مباحث پلمیک و نظری باشند.

تبصره دو: اطلاعیه ها بصورت پیش نویس به هیئت هماهنگ کننده ارسال و از آنجا به همه نهادها و منفردین برای نظردهی فرستاده می شوند. اگر نهادی مخالفت یا ملاحظه ای در مورد بیانیه و اطلاعیه داشته باشد، بایستی مورد اصلاحیه اش را مشخص نماید و ارائه دهد. چنانچه نهادی با کلیت بیانیه و اطلاعیه مذکور مخالف باشد، می باید اطلاع دهد، تا نام و امضای آن نهاد در پانین بیانیه درج نشود و اگر نهادی در این رابطه جواب نداد، دلیل بر موافقت با بیانیه پیشنهادی است. زمان مورد نظر برای نظردهی درباره بیانیه و اطلاعیه ها 48 ساعت می باشد.

تبصره سه: در صورتی که نهادی با بیانیه یا اطلاعیه ای توافق نداشته باشد، اسامی سایر نهادها بدون ذکر نام نهاد مخالف، در زیر بیانیه و اطلاعیه آورده می شود. در صورت توافق اکثریت نهادها، ذکر نام تمامی نهادها ضرورتی ندارد.

پ - ضوابط همکاری ها

- 1- هریک از نهادها متشکل از افرادی با گرایشات سیاسی گوناگون می باشند، لذا این مجموعه ، جریانی چندگرایشی و مستقل از احزاب و سازمانهای سیاسی است و به هیچ وجه گرایشی مجاز نیست خود را بر این مجموعه تحمیل کرده و یا به نوعی این نهادها را زیر مجموعه خود محسوب نماید .
- 2- مناسبات بین نهادها بر اساس همکاری جمعی است، سمت و سو و تمرکز اصلی آنها بر شرکت در فعالیتهای و همکاری عملی است. در چنین روندی جهت انسجام و صیقل بخشیدن به مسائل فکری در زمینه های نظری، مباحث سیاسی - اجتماعی بر مبنای اهداف جنبش کارگری را در مسیر همکاریهای خویش قرار خواهیم داد ولی تصمیمات سیاسی - نظری گرفته نمیشود.
- 3 - نهادها در سطح محلی کاملا مستقل بوده و میتوانند راسا و یا با شرکت هر نهاد مترقی دیگری فعالیتهائی داشته باشند. همچنین در صورت عدم توافق با یک برنامه جمعی پیشنهادی به هیچ وجه ملزم به تبعیت و اجرای آن نیستند.
- 4 - تصمیم گیریها بین نهادها بر اساس تفاهم، اعتماد متقابل، احترام، بحث و اقناع می باشد. در مواردی که نیاز به رای گیری باشد، توافق نصف به علاوه یک اعضای شرکت کننده در نشست ضروری است.
- 5 - نهادها داوطلبانه در فعالیتهای عملی مشترک شرکت میکنند، و در صورت شرکت، متعهد به انجام آن و سپس دادن گزارش کتبی فعالیت های خود به مجمع عمومی می باشند.
- 6 - هیچ نهادی حق ارانه بیرونی اسناد و گزارشات جلسات درونی نهادها و همچنین سمینارها و جلسات عمومی در سطوح مختلف ، بدون توافق کلیه نهادها را ندارد.
- 7 - نهادها موظف به ارانه گزارش اقدامات شش ماهه خود میباشند. این گزارشات می باید یک ماه پیش از مجمع عمومی حضوری یا پالتاکی به هیئت هماهنگ کننده ارسال شوند تا برای اطلاع در اختیار نهاد ها گذاشته شود.
- 8 - نهادهای همبستگی باجنبش کارگری، بنا به تعریف، جمع نهادهاست و ترجیح و تشویق آن برای نهادهای متشکل درکشورها و شهرهای مختلف و پرهیز از انفراد و تک یاختگی است. با این حال خود را از توان و تجربه فعالین کارگری در خارج از کشور که به هر دلیل بصورت نهاد محلی عمل نمی کنند بی نیاز نمی داند و آنان را به همکاری دعوت می کند.
- 9 - نهادهای محلی نهادهای همبستگی در سطح کشورها برای امکان همکاری و هماهنگی میان نهادها ایجاد شده اند تا یک جمع بزرگتر و فراگیرتر از تک نهادها ایجاد شود، یعنی روش کار نهادها نباید در جهت تانید انفرادگرائی و میدان دادن به آن باشد. همکاری منفردین باجمع نهادها بر قبول این اصل بنیادی و بدیهی استوار است که نهادها شالوده این جمع و همکاری را تشکیل میدهند و موازین و شرایط کار و همکاری با منفردین در هیچ موردی نباید اساس موجودیت نهادی را تحت الشعاع قرار دهد.
- 9 - هر متقاضی عضویت انفرادی را می باید حد اقل یکی از اعضای نهادها معرفی کند.

10- عضو منفرد می بایست بصورت فعال در یکی از فعالیتهای عمومی نهادها از جمله کمیسیونها شرکت داشته باشد. عضومنفرد در صورت غیرفعال بودن در فعالیتهای عمومی نهادها، تنها برخوردار از حق رأی مشورتی است. توصیه می شود بمنظور اهمیت فعالیت دسته جمعی ونهادی و پیشبرد بهترین نوع فعالیتهای آنها، از هر نهاد حداقل یک رفیق در یکی از فعالیتهای عمومی شرکت فعال داشته باشد.

11 - عضومنفرد نمی تواند به عضویت هیئت هماهنگ کننده نهادها انتخاب شود اما میتواند مسئولیت کمیسیون های و گروههای کاری را برعهده گیرد.

12 - مناسبات در درون نهادها می باید بر شفافیت و صداقت و صراحت استوار باشد. هنرها و عضونهاد و هر عضومنفرد حق دارد در رابطه با مباحث و تدارکات تصمیمات و یا اختلافات موجود، به طرح آزادانه نظرات خود و جلب نظر دیگران بپردازد اما این کار باید با انتشار علنی متن مربوطه در جمع نهادها و دعوت عمومی به امضای موافقین آن باشد.

13 - کسانی که از نهادها اخراج و یا به هر دلیلی جدا می شوند، برای پذیرش دوباره در نهادها پروسه عضویت منفردین مستقل را طی می نمایند.

14 - هر عضو و هر نهادی که در هر نشست امپریالیستی و آلترناتیوسازی بورژوازی که در چهارچوب تائید نهادها قرار ندارد، شرکت کند، بایستی پاسخگو در برابر نهادها باشد.

چنانچه رفیق یا نهاد شرکت کننده در چنین جلساتی، با آگاهی از ماهیت نشست در آن شرکت کرده و از این عمل خود دفاع نماید، بلا فاصله عضویت فرد یا نهاد مربوطه از طرف هیئت هماهنگ کننده تا مجمع پیش رویه تعلیق درمی آید و تصمیم قطعی در مجمع عمومی گرفته خواهد شد.

اولین مجمع عمومی پس از تعلیق، وضعیت قطعی رفیق یا نهاد مربوطه را تعیین خواهد کرد و صورت مسئله برپایه گزارش هیئت هماهنگ کننده در سطح جنبش انتشار داده می شود.

در صورت برگزاری چنین جلسه ای، فرد یا نهادی که تمایل به شرکت در آن را دارد، چنانچه به صورت نهاد همبستگی شرکت میکند، می بایست به هیئت هماهنگ کننده اطلاع دهند تا آن اجلاس و یا نحوه شرکت در آن، مورد توافق مجمع عمومی نهادها قرار گیرد.

چنانچه در شرایط ایجاد شده کوچکترین ناروشتی وجود داشته باشد، هیئت هماهنگ کننده موظف است پیش از هر عمل یا تصمیم گیری، فراخوانی جهت برگزاری مجمع عمومی فوق العاده بدهد تا مسئله در آن مجمع، مورد بررسی قرار گیرد.

15 - نهادها حتماً باید در پنج مقطع زمانی معین، واکنش مقتضی را در قالب بیانیه و اطلاعیه و یا در دستور گذاشتن یک کمپین، نشان دهند. اینها عبارتند از: اول ماه مه، سالگرد کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت، سالگرد کشتار کارگران خاتون آباد، هشت مارس، کمپین برای آزادی کارگران زندانی.

ریشه های جنبش کارگری

جنبش کارگری بی بوته نیست!

از زمانی که حاج حسن اصفهانی (امین الضرب) پیلهور و صراف سابق، بازرگان بزرگ بین‌المللی و کارخانه دار و سرمایه گذار بعدی و خدمتگذار دربار قاجار و اشراف در سال 1885 میلادی اولین کارخانجات ابریشم ریسی در رشت و چینی سازی در تهران و ریسندگی و پشم بافی در قم و رفسنجان و کرمانشاه و معادن در مازندران و کرمان و ... را در ایران تأسیس کرد، یعنی حدود 130 سال پیش و با اجیر کردن و استثمار صدها کارگر، نطفه سرمایه داری را در ایران بنا گذاشت، اعتراض، مبارزه و جنبش کارگری در ایران نیز آغاز شد و پا گرفت و رشد کرد.

تاریخ، بسیاری از این مبارزات و جنبش‌ها و فعالین به نام آن را ثبت کرده است، که این اسناد می‌توانست و می‌تواند پشتوانه تداوم مبارزات و رشد جنبش باشد. اما سرمایه‌داران و دولت‌های حامی آنها با درک این خطر و از هراس رشد و تداوم جنبش کارگری، علاوه بر تحریف تاریخ و سانسور و جلوگیری از ثبت و نشر این اسناد، با سرکوب و حشیانه مداوم و اعدام فعالین کارگری و در مواردی قتل عام خیزش‌های کارگری، سعی در محو این سوابق از صفحات تاریخ نموده تا با انقطاع نسل‌ها از پاگیری و اعتلاء مجدد جنبش کارگری جلوگیری کرده و نسل جوان کارگران را ناچار به شروع کردن از صفر بکنند. زهی خیال باطل!

بخشی مهم از این اسناد از دست رفته زندگی نامه، تجارب و آموزش‌های عملی صدها فعالین برجسته جنبش کارگری و هزاران فعال جانب‌باخته گمنام این جنبش‌هاست. یادنامه آنها نه به منظور مجلس ختم و فاتحه خوانی و مراسم ترحیم سنتی است، بلکه علاوه بر قدردانی و تجلیل از خدمات و مبارزاتشان در خدمت جنبش کارگری و علاوه بر آموختن از تجارب، آموزش‌ها، رهنمودها و دست‌آورد هایشان در انطباق با شرایط امروز، از یکسو مقابله و مبارزه با تلاش‌های دشمنان طبقاتی برای محو گذشته این جنبش و کوشش آنها در انقطاع نسل‌ها، با حفظ و احیاء و تثبیت این سوابق و اسناد است و از سوی دیگر اثبات این واقعیت که جنبش کارگری بی ریشه نیست!

با تجلیل از این تاریخ پرافتخار و با یاد عزیز جان باختگان این جنبش، ما این ستون را با تأکید بر اهداف فوق به معرفی این اسناد همیشه زنده و جاوید جنبش کارگری اختصاص می‌دهیم و می‌کوشیم در درجه اول به فعالین گمنام بپردازیم و از این‌رو از همه شما خوانندگان عزیز دعوت و تقاضا می‌کنیم دست ما را بگیرید و برای تداوم این امر مهم ما را یاری رسانده و هر نوع اطلاعات یا اسنادی در این زمینه دارید و یا اشخاصی را می‌شناسید در اختیار ما گذاشته و به نوبه خود در این کار بزرگ سهیم شوید.

دروود بر تمامی جانب‌باختگان و درگذشتگان مبارز جنبش کارگری

برای آزادی فوری، بدون قید و شرط کارگران زندانی

و دیگر زندانیان سیاسی به هر شکل که میتوانیم، بکوشیم!

رژیم ضد کارگر در ایران به وحشیانه ترین شکلی
با زندانیان سیاسی رفتار می کند.
رژیم سرمایه داری
شکنجه های جسمی و روحی قرون وسطائی،
علیه زندانیان سیاسی اعمال میکند.
رژیم ضد کارگر در ایران احکام سنگین و
سالها بازداشت برای کارگران زندانی و
شروط و وثیقه های سنگینی
برای آزادی موقتی کارگران تصویب می کند.
رژیم حامی سرمایه برای خالی تر کردن سفره کارگران، جریمه های نقدی سنگینی را بر
کارگران برای آزادی از زندان تحمیل می کند.
رژیم انسان کش، زندانی می کند، شکنجه میکند، اعدام می کند.
تا طبقه کارگر و جامعه را به سکوت وا دار نماید.
باید بر علیه این وضعیت برخاست. باید و می توان رژیم را بعقب نشینی وا داشت.
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور
همه کارگران و فعالین کارگری، سازمانها، تشکلهای، گروهها و ... را فرامیخواند که به
هر شکل و با هر توانی که دارند
کمپنهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی سازماندهی
نموده و شرکت نمایند،
تا شرایط آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان
سیاسی هرچه بیشتر، فراهم گردد.

به کمپنهای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید!
کمپین آزادی کارگران زندانی را تقویت کنید و خواست آزادی کارگران
را هر چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم!

همبستگی جهانی کارگران مرزی ندارد!

همبستگی و پشتیبانی کارگران،
سندیکا ها، اتحادیه های کارگری،
نهادهای مترقی و سوسیالیستی و ...
برای آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی
ضروری است!

باور داریم که در ایران نیز طبقه کارگر متشکل در شکل های طبقاتی
و توده ای اش، پایان دهنده زندان، شکنجه، اعدام و کلن نظم موجود
اجتماعی است. برای کمک و یاری رساندن به این مبارزه، در جهت
آزادی کارگران زندانی با هر توانی که داریم در خارج و داخل ایران
بکوشیم. این یک گام واقعی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
سرمایه داری است.

آزادی کارگران زندانی

و تمامی زندانیان سیاسی

درگرو

گسترش مبارزه متحدانه ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با شکست انقلاب، به اعدام، زندان، شکنجه، ستم، استثمار و ... که در زمان شاه و سلطنت پهلوی نیز رایج بود، ادامه داد. این رژیم از بدو به قدرت رسیدنش، حمله و سرکوب کارگران و تشکلهای کارگری و دیگر نیروهای اجتماعی مترقی را در دستور داشته است و اکنون در بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی فرو رفته است، اما برای نجات خود بار بحران را با بیکاری، گرانی، فقر، گرسنگی و بی خانمانی بردوش اکثریت جامعه گذاشته است. هیچ جناح و دسته و گروه و جمعی از این رژیم دوست کارگران و زحمتکشان نیست. کلیت این نظام باید برچیده شود.

زندانیهای رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، کارگران و فعالین کارگری، نهادها، تشکلهای، سازمانها، احزاب مترقی و تمامی دوستداران و هواداران جنبش کارگری را فرامیخواند که در هر محل کار، منطقه، شهر و کشوری که هستند، در همراهی با نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-خارج کشور، آکسیونها، پیکتهای اعتراضی، تظاهرات و تجمعات اعتراضی و ... را سازماندهی کرده و خواهان آزادی کارگران دستگیر شده، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شویم.

تا آزادی تمامی کارگران دستگیر شده، سایر زندانیان سیاسی، مبارزه بیوقفه ادامه دارد.

برای همبستگی و همیاری بیشتر با جنبش کارگری در ایران به نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور بپیوندید!

کمپینها و کارزارهای دفاع از آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی، تا آزادی همگی این عزیزان، بیوقفه ادامه دارد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و دیگر فعالین، هوادارن و دوستداران جنبش کارگری تا کنون کمپینها و کارزارهایی بیشماری را با خواست آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی برگزار کرده و نیز در جریان است، سازمانها و نهادهای بین المللی بیشماری به این کمپینها و کارزارها پیوسته و علیه رژیم ضد کارگر در ایران اعتراض کرده و میکنند. این کمپینها و کارزارها تا آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی ادامه خواهد داشت. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران همگان را فرا میخواند که به هر شکل که میتوانند، در هر کجا که هستند، با هر توانی که دارند به ایجاد نهادهای همبستگی با جنبش کارگری پرداخته و به هر شکل که میتوانند به ادامه کمپینها و کارزارهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج کشور یاری رسانند.

برای آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی بیوقفه به هر شکل و نامی که میتوانیم، بکوشیم.

به کمپینها، کارزارها، آکسیونهای اعتراضی و مبارزاتی، برای همبستگی هرچه بیشتر با جنبش کارگری در ایران و نیز آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید و به هر شکل که می توانید صدای خواسته ها و اعتراضات جنبش کارگری را به گوش همگان برسانید.

اتحاد مبارزاتی ما، رمز پیروزی ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

Message of the 8th session of the solidarity committees with Iranian workers movement- abroad to

The workers of the world & labour activists in Iran

June 29, 2015

Global capitalist attacks on the working class achievements in different countries, are growing daily. Capitalist for the gain of more profits, commits crimes carelessly & with intent. Because of the economic crisis in the capitalist & polar world, in order to gain more profits, the imperialist countries are competing with each other & in effect, the crisis are imposed/transferred to the shoulders of the worlds 'working class & its other toilers.

The imperialists in their own countries, have pushed their working class population towards poverty & an uncertain future, & in other countries, by launching proxy wars, plundering & ripping off their rich natural resources, including oil, gas & control of their markets, causing unprecedented uncertainty. The imperialist countries, led by USA, always need to create a real or imaginary enemy, in order to dominate their economic & political will, by any criminal means.

Once the enemy was USSR, but now that the USSR & socialist state doesn't exist, & even has become member of their own imperialist country, it is necessary to create another public enemy number one. This new enemy could be, their own close partner of cold war era creation. The war against terrorism is nothing, but an alibi/excuse, in order to destroy third world countries & keep them weak, rip off their products, & natural resources, making sure they dominate & control their markets for some time.

Only the united struggles of the global working class against the inhuman agenda/plans of the global capitalist, can hinder/stop the barbarism & dreadful/wild capitalists. The struggle of the global working class against the brutal capitalist attacks on their achievements, with strikes & demonstrations of millions of working class & toilers against neoliberal policies of capitalist, shows that how much the resistance against the rule of capital has grown & developed. Certainly, with the intensification & increasing solidarity among working class, globally, the day that the rule of the capitalist will end, is becoming closer.

We believe in this global/international power. In the year passed, the struggle of the Iranian workers for a decent living standard, wage rise, against unemployment & unpaid wages, have continued in one way or another, despite paying the price, with sackings, imprisonments & tortures; but the struggles have grown more & more. The capitalists/investors in Islamic regime, on the pretext of sanctions & poor economic situations, have gained & pocketed millions & billions, but the weight of the burden of sanctions has been placed on the shoulders of working class people & other toilers.

From the beginning, the sanctions were directed at working class & toilers, not the investors of the Islamic regime, & it did hurt the workers & still it does, but not the investors & their beloved children. Those who say by ending & removing the economic sanctions, the living standard of the workers & other toilers will be better, are liars & must be exposed. They blow dust into the eyes of workers. The Workers & other toilers in Iran will achieve their rights & freedom, by their own heroic united struggle only.

You, the workers inside Iran, have been able to extend & develop your struggle. Surely, sooner or later you could join each other & with the establishment of independent organisations, unite & move forward. The vast support of your families has made your victories come sooner, by gaining the support of other progressive people. We have been following & supporting your struggles, & intend to continue & we will let your voices be heard by your co-workers & other progressive forces in other countries. We wish you victory in your just & righteous struggle.

The labour activists, independent organisations & assisting committees, have been under severe pressures by the Islamic ruling class, & there are tens of thousands of prisoners. In our annual meeting, as the highest gathering, we salute each one of you warmly. We continue to follow your struggle intently, & trying our best to support your struggles in prisons, in factories/firms, in your independent organisations...& let your voices be heard by your fellow workers & progressive forces abroad.

We have tried our best to be a connecting bridge of information & communication, between Iranian working class & the working class of the countries that we are living. We are learning from your tireless struggles against the threats of the Islamic regime. The difficulties & the uninterrupted suppressions that you have been facing, on the path to solidarity, organising, & internal unifications, also your efforts are known to all for organising independent working class organisations.

Your determination & will is admirable for achieving the rights of workers, freedom from oppression, exploitation, & fearlessness from imprisonment & torture, & resisting severe social & economic pressures, that have brought harder life upon all of you. You are the leading force/vanguard of the struggles that we all are fighting to achieve.

We have to learn from history & common struggles of the global /international working class, & try to establish our independent organisations opposing the regimes' yellow unions & anti workers organisations, & prepare & provide the battle ground for taking up the working class power. We acknowledge that your task is difficult & your responsibilities are a great burden, but we are alongside you all & accompanying your struggles to the very end. The regimes come & go, as well as the Qajar & Pahlavi dynasty; the Islamic regimes will go to the garbage box of the history too.

- Long live working class towards building stronger independent organisations
- Down with the anti workers capitalist Islamic regime
- Long live international solidarity
- Long live socialism

Solidarity committees with Iranian workers movement- abroad